

فصلنامه اخبار مالی

ISSN: 2588-5820 - فصلنامه اقتصادی - Financial

Website: www.ifnn.ir

شماره ۳۱، تابستان ۱۴۰۰

بها: ۲۰۰۰۰۰ ریال - ۲ Euro

News



درمان اقتصاد رانتي

اقتصاد دولتي يا خصوصي، چرا و چگونه؟

ريسك سرمايه گذاري در فناوري هاي اقليمي

آينده صنعت مالي در مربع هاي تکه ها

مديريت دارايي هاي طبيعي در NAC

انقباض متورم، سهم جهان از نبرد روسيه و اوکراين



طرح های توسعه ای شرکت سنگ آهن گهرزمن

- پروژه انتقال خط ریلی در سیرجان
- پروژه بازیابی آب از سدهای باطله در سیرجان
- مشارکت در احداث پایانه و اسکله مکانیزه تخلیه و بارگیری مواد معدنی در اسکله شهید رجایی بندرعباس
- مشارکت در ساخت و بهره برداری کارخانه لاستیک ماشین آلات فوق سنگین معدنی
- مشارکت در طرح انتقال آب خلیج فارس و دریای عمان به صنایع استان های کرمان، سیستان و بلوچستان و خراسان
- سرمایه گذاری در منطقه گردشگری گل گهر
- مشارکت در احداث کارخانجات فولاد چابهار به میزان ۱۰ میلیون تن

- احداث کارخانه ذوب با ظرفیت تولید ۳ میلیون تن
- پروژه احداث گندله سازی به میزان ۲/۵ میلیون تن
- احداث ۳ کارخانه آهن اسفنجی با ظرفیت هریک ۱/۷ میلیون تن
- احداث کارخانه نورد با ظرفیت ۳ میلیون تن
- احداث نیروگاه ۵۰۰ مگاوات بردسیر
- پروژه اکتشاف و توسعه معادن: شامل پهنه های اکتشافی مس و طلای جانجا در استان سیستان و بلوچستان، جبال بارز در استان کرمان و نهبندان در استان خراسان جنوبی
- پروژه IPCC حمل پیوسته مواد معدنی در سیرجان

آدرس: سیرجان - کیلومتر ۵۰ جاده شیراز
صندوق پستی: ۷۸۱۸۵-۵۷۱
تلفن: ۰۳۴-۴۱۵۲۶۰۰۰
فکس: ۰۳۴-۴۱۵۲۶۹۹۹
ایمیل دبیرخانه: info@goharzamin.com

آدرس: تهران بلوار آفریقا بلوار آرژان غربی شماره ۱۲
کد پستی: ۱۹۱۷۷۴۴۵۳۱
تلفن: ۰۲۱-۵۷۶۲۳
فکس: ۰۲۱-۸۸۶۶۴۰۳۳
ایمیل: info@goharzamin.com



اپلیکیشن **بنو** هر جا هر لحظه

بنو

آنچه نیاز است با یک اشاره

درخواست آبی حضور آریاب، امداد خودرو و خودروی ویژه حمل سرنشینان در محل حادثه با یک اشاره در اپلیکیشن بنو



برای دریافت اپلیکیشن بنو QR کد را اسکن کنید





همراه بانک سینا؛ بانکی در دستان شما

پرداخت قبض . خرید شارژ . انتقال وجه . و بسیاری خدمات دیگر

صدور انواع ضمانت نامه های بانکی در اسرع وقت





زندگی بالا و پایین داره!

بیمه عمر و سرمایه گذاری
برای بالا و پایین های زندگی

بیمه نوین
NOVIN INSURANCE

☎ ۰۲۱-۲۳۰۴۷ | 🌐 novininsurance.com

شبکه فروش قدرتمند بیمه سرمد
با پشتوانه عظیم بانک صادرات ایران

بیش از ۱۰۰۰ نماینده فعال و ۳۹ شعبه در سطح کشور



بیمه سرمد
بانک صادرات ایران

مرکز تماس ۲۴ ساعته ۱۵۱۶
www.sarmadins.ir



فصلنامه اخبار مالی

شماره سی یکم ♦ تابستان ۱۴۰۱

www.ifnn.ir

www.akhbaremaili.ir

Email: iranpo@gmail.com

Instagram: polimalinews

Aparat: POLIMALI

مدیر مسئول و سردبیر: جاوید رنجبر فرد شیرازی
همکاران تحریریه: الهام حدادی، مریم شیرازی، مریم حسینی، مهدی رهبر، ایمان ایزدی مقدم، هومن همدانی
صفحه آرا: فرزین جم
نماینده مجله در اصفهان یزد و کرمان: افشین سلیمانی سالار
چاپ و صحافی: آویژه هنر
مدیر بازرگانی: کبری صدقی

نشانی دفتر مجله: تهران، خیابان فاطمی، خیابان باباطاهر، کوچه کیوان، پلاک ۲۱، طبقه سوم، واحد ۹
کد پستی: ۱۴۱۴۶۵۳۴۵۵
تلفن: ۸۸۸۵۴۵۲۲ و ۸۸۸۵۴۵۷۲

حامیان این شماره



فهرست

- ۹..... سرسخن؛ درمان اقتصاد رانتي با راه‌اندازی بازار کربن
- ۱۰..... اقتصاد دولتي يا خصوصي چرا و چگونه.....
- ۱۳..... تأثیر اصلاحات اقتصادی بر بازار بیمه
- ۱۴..... بهترین هدیه به اقتصاد کشور!.....
- ۱۵..... وداع با زنجیره تولید ارزش سنتی.....
- ۱۸..... پاسخ میدکو به نیاز توسعه پایدار و فراگیر.....
- ۱۹..... دورنمای توسعه در چادرملو.....
- ۲۰..... مدیریت دارایی‌های طبیعی در صندوق های NAC
- ۲۲..... آینده صنعت مالی در مربع های تک‌ها.....
- ۲۴..... حاصل نبرد روسیه و اوکراین، انقباض متورم
- ۲۷..... افزایش ۷۳ درصدی درآمد عملیاتی پتروشیمی پارس
- ۲۸..... تأثیر تغییرات اقلیمی بر ثبات مالی
- ۲۹..... میانگین حقوق سالانه ۲۰شغل آینده‌دار زیست‌محیطی.....

استفاده از مطالب فصلنامه اخبار مالی با ذکر منبع آزاد است.

سرخن



◀ جاوید رنجبر فرد شیرازی ▶

درمان اقتصاد رانتي با راه‌اندازی بازار کربن

■ کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی باور دارند یکی از عوارض ارز ترجیحی در ایران تورم ناشی از تقویت پایه پولی به‌دلیل لزوم تامین منابع لازم جهت تامین هزینه‌های خرید کالاهای اساسی بوده است. طبق اظهار معاون اقتصادی بانک مرکزی، فقط در سال ۱۳۹۹ افزایش خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی که ناشی از مابه‌التفاوت خرید ارز ترجیحی و نیمایی بوده بیش از رشد کل پایه پولی بوده است. این بدان معنی است که بانک مرکزی برای تامین ارز جهت خرید کالاهای اساسی به‌ناچار اقدام به تولید پول داغ در حجم‌های بالا کرده است که این یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش نرخ تورم به‌شمار می‌رود. البته تورم در ایران دلایل دیگری نیز دارد از جمله افزایش شدید بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی که آنها به‌نوعی به عملکرد دولت در شیوه تخصیص منابع به‌ویژه در قالب تخصیص‌های تکلیفی بازمی‌گردد. به هر روی پس از واگذاری تعیین تکلیف ارز ترجیحی به دولت از سوی مجلس براساس قانون بودجه ۱۴۰۱ مشخص بود که شرایط قانونی برای حذف ارز ترجیحی مهیا شده و به‌مورد اجرا گذاشته خواهد شد. هدف اعلام شده برای انجام این مهم، ممانعت از اختلالات قیمتی و نقض مکانیسم قیمت‌های نسبی در جامعه بود. با شروع رویکرد حذف ارز ترجیحی که با اعلام قیمت‌های جدید کالاهای اساسی به اوج خود رسید، سیاست اقناعی جهت ایجاد پذیرش عمومی نیز به‌مورد اجرا گذاشته شد. محور این بسته پیوست، استدلال‌هایی مبنی بر افزایش اختلاف طبقاتی، توزیع نامناسب، کاهش بهره‌وری، افزایش واردات، افزایش قاچاق، کاهش تولید و... بود.

البته برای مردم کوچه و بازار مهم‌ترین موضوع کنترل تورم دورقمی ۴۰ ساله‌ای است که هر روز سفره آنها را کوچک‌تر و فشار بیشتری را بر روح و جسم آنان وارد می‌آورد. از این منظر موفقیت سیاست حذف ارز ترجیحی منوط به کنترل نرخ تورم است. مشخص است که با کاهش فشار هزینه دولت جهت تامین ارزی خرید کالاهای اساسی از یکسو و تقویت منابع ارزی حاصل از افزایش صادرات انرژی و محصولات وابسته به آن از جمله در بخش پتروشیمی، فولاد و سیمان و... و همزمان کاهش هزینه‌های نقل و انتقال پول در سطوح بین‌المللی، فشار بری تقویت پایه پولی از محل نیازهای ارزی بانک مرکزی کاهش پیدا خواهد کرد و این موضوع بخشی از

فشار تورمی را کاهش خواهد داد. اما موضوع مهم دیگری در میان است که می‌تواند نتایج تورمی جراحی اقتصادی را تحت‌الشعاع خود قرار دهد و آن چیزی نیست مگر نرخ تسعیر ارز در بودجه ۱۴۰۱. در بودجه ۱۴۰۱ کل کشور نرخ تسعیر ارز ۲۳ هزار تومان در نظر گرفته شده است. این نرخ در بودجه ۱۳۹۹ به‌میزان ۱۲۹۰۰ تومان دیده شده بود. این نرخ به دولت اجازه می‌دهد تا ریال بیشتری را در قبال ارزهای نفتی از بانک مرکزی دریافت کند و بدین ترتیب همچنان بر تقویت پایه پولی فشار وارد آورد. این یعنی خنثی‌سازی نتایج انتظاری جراحی اقتصادی که هم‌کنون در جریان است. این نکته درستی به‌نظر می‌رسد که شرکت‌ها، مؤسسه‌ها و نهادهای اقتصادی کالا و خدمات خود را با نرخ ارز آزاد صادر و یا به جامعه عرضه می‌کنند و دولت باید که براساس واقعیات حسابرسی و سود و زیان واقعی محقق شده با موضوع برخورد داشته باشد تا سیاست‌های پولی و مالی را به‌مورد اجرا درآورد، اما این وضعیت که همانا بالا نگاه‌داشتن نرخ ارز است، مستقیماً بر پایه پولی فشار وارد کرده و بر فشار تورمی می‌افزاید. حال اقتصاد با معادله‌ای روبه‌رو است که در یک طرف آن فشار نقدینگی با کاهش هزینه تامین کالاهای اساسی بر دوش دولت و بانک مرکزی کاهش می‌یابد و از سوی دیگر فشار نقدینگی با افزایش پایه پولی ناشی از تسعیر نرخ ارز ۲۳ هزار تومانی فشار دیگری را بر پایه پولی وارد خواهد کرد. این بدان معنی می‌تواند باشد که نمی‌توان در پی اجرای جراحی اقتصادی در انتظار کاهش نرخ تورم بود.

♦ راه‌حل چیست؟

به‌نظر می‌رسد دولت با آگاهی از مسئله پیش رو سعی دارد با تقویت نظام مالیاتی، اعمال محدودیت بر فعالیت پولسازی بانک‌ها و انتشار اوراق قرضه دولتی بخشی از نقدینگی ایجاد شده را جذب نماید. اما فشار مضاعف به نقدینگی باعث تشدید رکود در اقتصاد می‌شود. اقتصادی که در طول یک دهه گذشته به‌شدت کوچک شده و اشتغال مؤثر تحلیل رفته است. از این منظر کاهش مقدار گردش نقدینگی می‌تواند عوارض منفی بزرگی بر متغیرهای کلان از خود برجای گذارد. از این منظر به‌نظر نمی‌رسد دولت مایل باشد به‌نفع کنترل تورم باعث ایجاد رکود اقتصادی شود. به‌ویژه اینکه با افزایش نرخ ارز تولید داخلی در حال تقویت بنیان‌های خود است. پاسخ مسئله را می‌توان در ایجاد سازوکار بازار کربن ملی و تولید سبز یافت. ایران به‌عنوان یک کشور انرژی محور، از بازاری بزرگ و عمیق در حوزه انرژی و برخوردار است. نفت و گاز و میعانات گازی مهم‌ترین بخش از صادرات کشور را شامل می‌شوند. دیگر صنایع نیز با بهره‌گیری از این مزیت، تولیدات خود را در حوزه‌های گوناگون از جمله پتروشیمی و صنایع سنگین فلزی و کانی در بازارهای داخلی و خارجی عرضه می‌کنند. از محل این درآمد مبالغ عظیمی از منابع تولید می‌شود. برآورد تخمینی در این باره به رقم ۳۲۰ میلیارد دلار بالغ می‌گردد. دولت سیزدهم با برنامه‌ریزی و فعال‌سازی بازار کربن ملی و تعیین نرخ برای مصرف انرژی و تعریف مالیات کربن برای انتشار گازهای آلوده‌کننده، دسترسی عظیمی به منابع مالی پایدار پیدا می‌کند که با این منابع امکان حرکت در مسیر توسعه پایدار و تسهیل شده و وابستگی دولت را به منابع ناشی از تسعیر ارز به‌شدت کاهش می‌دهد. از سوی دیگر اقتصاد را به‌سوی افزایش بهره‌وری رهنمون می‌شود. با راه‌اندازی بازار کربن و الگو قرار دادن تولید سبز، مصرف کاهش یافته، بهره‌وری تقویت شده و اشتغال پایدار پدید می‌آید. بدین ترتیب زمینه‌های افزایش فشار تورمی نیز به‌میزان قابل توجهی تضعیف می‌شوند. به یاد داشته باشیم راهبردهای کسب‌وکار سبز براساس اصل پایداری محیطی، مبنای کلیدی برای مزیت رقابتی در دهه‌های آینده است. □



Financial

زمستان ۱۴۰۰

شماره ۳۰

IFNN.IR

اخبار مالی



اقتصاد دولتی یا خصوصی چرا و چگونه...



<

>

نویسنده: سیدحسین قاسمی

■ اداره هر تشکیلی در هر اندازه که باشد نیازمند مدیریت متمرکزی است که نمی‌توان اجزا تحت پوشش و اهداف تعیین‌شده آن را بدون این مدیریت به سعادت و کمال رساند در غیر

این صورت کمترین آسیب وارده هرج و مرج در عدم تحقق اهداف، صرف وقت و انرژی و هزینه‌های مادی و معنوی بسیار است. در این فرصت اندک نمی‌توان نگاه تاریخی و یا فلسفی به ساختار اقتصاد اعم از دولتی و یا خصوصی داشت و از جهات چرایی و نگاه فلسفی به الزامات ساختار مالی سازمانی یا ساختار اقتصاد حکومتی به تشریح موضوع پرداخت، در یک سیستم حکومتی اگر ساختار اقتصادی و مراودات مالی و پولی اعم از مادی و معنوی تحت سیطره حکومت باشد اقتصاد دولتی و یا اگر در بخش‌های اجرایی تمام و یا بخش‌هایی از آن خارج از بدنه حکومت صورت پذیرد تحت عنوان اقتصاد خصوصی از آن یاد می‌شود.

نوع مختلط آن هم که ترکیبی از دولت و بخش خصوصی است در سال‌های پس از انقلاب عنوان خصولتی نامیده شد که البته در محتوا نوع خصولتی یک شیوه مجزا و دارای ویژگی‌های منحصر و تعریف‌شده نیست بلکه عموماً تداخلات و هرج و مرج فعالیت‌های

مالی و پولی را در ابعاد سیاستگذاری و عملیات اجرایی شامل می‌گردد که توسط دولت یا مرتبطین و یا نهادهای دولتی با صاحبان زر و زور و نهادهای خانوادگی، قومی و یا گروهی هدایت و مدیریت می‌شود و این اقتصاد عموماً مبانی آن رانت و مشی آن نیز با ارتشا، تحبیب، تهدید و تحدید مزیت‌های اجتماعی همراه است. اقتصاد دولتی یا خصوصی هر یک نیازمند در اختیار گرفتن کرسی‌های پارلمانی برای قانونی نمودن روش‌های خود است و با توجه به ضرورت‌ها و بهره‌مندی از مزیت‌ها انگاره‌های قانونی این مرزبندی را مشخص می‌نماید یا ضرورت‌های اجتماعی در حوزه دارایی‌ها، هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها به سمت‌وسویی سوق می‌دهد که برای پایداری خود همراه با مکانیسم‌های قانونی عمل نماید. هر اقتصادی اعم از دولتی یا خصوصی و یا ترکیبی بازهم به‌لحاظ شکلی در یکی از دو سیستم باز یا بسته قرار می‌گیرند و چه بسا نتیجه مدیریت اقتصادی در هر یک از این سیستم‌ها به نوعی باشد که منافع گروه خاصی را تأمین نماید اما این امر موجب نمی‌گردد ساختار سیستمی آن تغییر یابد. اگر ساختار حکومتی دارای سیستم بسته باشد به هر ترتیب مشی قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی نیز دارای روح سیستم بسته خواهد بود و این سیستم را فقط قدرت حاکم چارچوب‌های آن را تعریف می‌کند در سیستم بسته مکانیسم تولید ثروت در اختیار حکومت است و قوانین و نحوه تهیه آن تا مبادی ورودی و خروجی بر مبنای تبادل دارایی‌های سیستم متمرکز شکل می‌گیرد و خواست حاکمان و مدیران دیوانسالار همواره بر میزان کمی و کیفی دارایی‌ها و ارزش آن ملاک تعیین و سنجش

ارزش دارایی است، چه پول، چه املاک و مستغلات و چه کالا و خدمات باشند. عمر و تاریخ این نوع سیستم‌ها مساوی است با شکل‌گیری زندگی قبیله‌ای و تا امروز که شکل مدنی به‌خود گرفته سیستم بسته فارغ از اینکه چه کسی حکومت می‌کند و دارای چه ایدئولوژی است، لیبرال است یا دیکتاتور تا وقتی در کمند این سیستم بسته گرفتار است، رشد و هرگونه توسعه فقط در سایه خواست حکومت شکل می‌گیرد و نوع رشد و کی و کجا و و همه خواست هیأت حاکمه و یا حاکم و یا هر شخص با هر عنوان تعریف و تدوین شده است، «آناشیس» در نهایت اوج خود در قالب سیستم صورت گرفته و هرج و مرج مالی و پولی در تبول فکری و سازمانی سیستم بسته، به‌صورت عمومی از پشتیبانی عمومی برخوردار نبوده و براساس تفکر و سیاست‌های گروه غالب صورت می‌پذیرد، در مقابل این سیستم، سیستم باز قرار دارد که در آن قدرت پول و قدرت فکر و اندیشه، قدرت زور و تزویر گاهی فردی، گاهی گروهی و زمانی قبیله‌ای و یا جناحی بر مدیریت نظام اقتصادی حاکم شده و شکل می‌گیرد و کمتر به مرزهای ورود و خروج ثروت کاری دارد، اما براساس قوانین مقداری از این درآمدها را حتماً حاکمان و مدیران اجرایی به‌جهت اداره امور دیوانی از صاحبان ثروت و کار دریافت می‌کنند و در یک مرز تعریف شده قانونی هر کس به‌اندازه قدرت مادی و مالکیت معنوی خود می‌تواند صاحب ثروت و ابزار تولید شود. در این سیستم بازهم خیلی اهمیت ندارد که چه کسی حکومت می‌کند و دارای چه مرامی است اما نمی‌بایست سیاست‌گذاری کلان اقتصاد و کسب درآمد در اختیار دولت یا هیأت حاکم باشد، دولت‌ها به‌صورت عمده در سیستم باز کنترل‌کننده روابط و تنظیم مبادلات پولی صاحبان و بانک مرکزی هستند که شیوه مدیریت و میزان تداخلات دولت در آن تعریف شده است و تا حدودی با اعمال سیاست‌های اقتصادی، صرفاً می‌توانند قوام نظام اقتصادی را پایدار نگه دارند البته به جز دو سیستم تعریف‌شده فوق مکانیسم‌های دیگری توسط دولت‌ها خصوصاً دولت‌های تازه‌تأسیس در سه قرن اخیر هم مشق حکومتداری و مدیریت پولی جامعه را نموده‌اند، اما در عمل در چارچوب یکی از سیستم‌های بسته و باز اقتصادی جای می‌گیرند.

تفاوت‌های قابل‌توجهی خروجی دو سیستم را از یکدیگر متمایز می‌سازد. در سیستم‌های بسته عموماً روح تولید ثروت عمومی وجود ندارد و چون دولت‌ها نیز عموماً تولیدکننده خوبی نیستند لذا رشد و توسعه بسیار بطئی، کند و آهسته صورت می‌گیرد، کشورهای با اقتصاد سیستم بسته همیشه زندگی متوسط رو به پایینی را در جامعه تجربه می‌کنند، اما این تنگ‌دستی سازمانی عموماً همراه با نوعی تعدیل اقتصادی همراه است و زندگی عموم مردم به یکدیگر شباهت دارد، جهش‌های اقتصادی ویژگی‌های بارز سیستم‌های باز است و به رشد ثروت و نهادهای پولی با گرایش غیردولتی می‌انجامد و سرعت افزایش نقدینگی، سرعت رشد تورم، افزایش ضریب جینی، فاصله طبقاتی و رکودهای دوره‌ای اقتصاد در سیستم‌های باز بیشتر از سیستم بسته به چشم می‌خورد اما در سیستم‌های بسته به چند دلیل مهم که کنترل مرکزگرایی و ساختاری ویژگی‌های بارز آنست افت‌وخیزهای اقتصادی را بسیار

اقتصاد خصولتی عموماً تداخلات و هرج و مرج فعالیت‌های مالی و پولی را در ابعاد سیاستگذاری و عملیات اجرایی شامل می‌گردد که توسط دولت یا مرتبطین و یا نهادهای دولتی با صاحبان زر و زور و نهادهای خانوادگی، قومی و یا گروهی هدایت و مدیریت می‌شود و این اقتصاد عموماً مبانی آن رانت و مشی آن نیز با ارتشا، تحبیب، تهدید و تحدید مزیت‌های اجتماعی همراه است



کم نموده و شاهد هستیم همانقدر که رشد توسعه ضعیف و کم است تبعات ناشی از تغییرات اقتصادی هم محدود است. کشور کوبا، کره جنوبی، چین و... از جمله این کشورها هستند، البته در قرن بیستم کشورهای با سیستم بسته خصوصاً در زمانی که تمایل به پیوستن به گات یا WTO را داشتند به لحاظ ضرورت و هم به‌لحاظ ویژگی‌های سیستم باز به ناچار مسیر خود را تغییر داده و فارغ از اندیشه سیاسی، گرایش اقتصادی خود را به سمت‌وسوی سیستم باز هدایت کردند. آسیب‌پذیری سیستم‌های باز با وجود تمام ویژگی‌های باز و مؤثر اقتصادی، بسیار بالاست اما سرعت تغییر و رشد به لحاظ ویژگی‌های آن نیز بسیار بالا است. دوره رکود اقتصادی در این نوع سیستم‌ها از ۱۰ سال تجاوز نمی‌کند، اما پس از آن به‌سرعت دوران رشد و تعالی اقتصادی را طی می‌نمایند درحالی‌که کشورهای با سیستم بسته ممکن است رکود اقتصادی بیش از نیم قرن را تجربه نمایند. جزئیات فنی و بیشتری در تبیین تفاوت و خصوصیات این دو سیستم وجود دارد که موجب دور شدن از سخن و نتیجه‌نهایی می‌شود اما به‌همین حد بسنده می‌شود، با وجود سیستم‌های بسته که معمولاً دوران رکود زمان‌های بسیار طولانی و مستمر است اما دامنه مقداری آن از حدود ۱۵ درصد در سال تجاوز نمی‌کند.

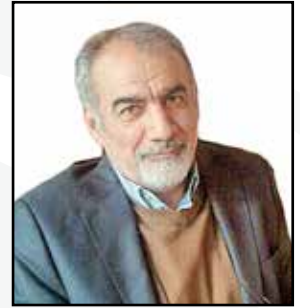
حال ببینیم اقتصاد کشور ما با توجه به بیان دو سیستم اقتصادی باز و بسته از کدامیک از این دو روش تبعیت می‌کند؟ در عمل سیستم اقتصادی بسته است اما چیزی که موجب می‌شود در درستی این نظر شک کرد نتیجه و خروجی سیستم اقتصادی کشور ما است که به سیستم باز شباهت دارد. خروجی عملکرد اقتصادی کشور ما شباهت بسیاری به شرایط دوران بحرانی در اقتصاد سیستم باز دارد اما در عمل و اجرا آنچه شاهد هستیم روش‌های اجرایی دولتی به‌صورت متمرکز و یا بسته است که موجب شده نه اقتصاد قبل از انقلاب را داشته باشیم که روح بورژوازی کمپرادور بر آن حاکم بود و نه شباهتی به اقتصاد عدالت‌محور صدر اسلام دارد و نه شباهتی به کشورهای سوسیالیستی، لازم به توضیح است که تمام کشورهای با اقتصاد سیستم بسته دارای توجهات سوسیالیستی نیستند اما در عمل آنچه شاهد هستیم توزیع ثروت و نگاه به سرمایه و سایر پارامترهای اقتصادی در این کشورها شباهت بسیاری به هم دارد، طبیعی است که شاخص‌های اقتصادی کشور ما نیز نشان





بهترین هدیه به اقتصاد کشور!

■ اخبار مالی - قیمت ارز هم مانند هر کالای دیگری که قابلیت خرید و فروش دارد، از قانون معروف عرضه و تقاضا پیروی می‌کند، البته خود عرضه و تقاضا از قانون نیاز و ارزش تبعیت می‌کنند، یعنی



✦ نویسنده: علی اصغر سمیعی ✧

عرضه‌کننده اگر ارزش کالای خود را بیش از قیمت آن در بازار بداند، طبعاً عرضه را محدودتر می‌کند و از طرف دیگر متقاضیان نیز اگر قیمتی را بیش از آنچه باید و شاید ببینند، سعی می‌کنند با کم کردن مصرف تقاضا در بازار را کاهش داده و باعث تعدیل قیمت شوند.

در مورد ارز هم همین‌طور است، با این تفاوت که عرضه‌کننده عمده ارز در ایران بانک مرکزی است که یعنی دولت و تقاضا هم گاهی غیرواقعی است یعنی در اثر سوء مدیریت یا فشارهای خارجی یا تبلیغات غلط یا ایجاد جو ترس و التهاب روانی، تقاضای کاذب ایجاد می‌شود. یا بر عکس ممکن است دولت با وضع قوانین و مقررات واردات برخی از کالاها را ممنوع یا بسیاری از کالاها را محدود کند، و به این طریق تقاضا را به‌طور مصنوعی و البته موقت، کاهش دهد. بنابراین در شرایط ایجاد تقاضا کاذب وظیفه عرضه‌کننده عمده ارز این است که با تزریق صحیح و به موقع و بدون اینکه باعث تلاطمات در بازار شود به کنترل نرخ اقدام کند. و البته همیشه با محاسبه نرخ تورم و بهره در کشور ما و کشورهای حوزه دلار مراقبت نماید که قیمت بازار تفاوت زیادی با بهای واقعی پیدا نکند. نکته دیگر اینکه، اگر اصلاح نظام اقتصادی کشور مدنظر مسئولین باشد، به‌نظر حقیر، قدم اول حمایت از کاهش نرخ تورم و بهره است، که آن‌هم البته برمیگردد به جلوگیری از افزایش بی‌رویه حجم نقدینگی.

یعنی اگر دولت مالیات‌ها را افزایش دهد، یارانه‌ها برای حامل‌های انرژی، و دیگر موارد غیرضروری را حذف کند، حتی سطح خدمات و ارز ساختن زیرساخت‌ها را هم کاهش دهد، بهتر است از اینکه دائم از بانک مرکزی استقراض کند و حجم نقدینگی را بدون اینکه برای جذب آن برنامه‌ریزی کرده باشد افزایش دهد. راجع به چشم‌انداز بازار، پیش‌بینی اصولاً آسان نیست به‌خصوص در جایی که داده‌ها و اطلاعات شفاف نیست، ولی همان‌طور که قبلاً هم گفته بودم، قیمت‌ها بهتر است که براساس تفاضل نرخ تورم و بهره در کشور ما و کشورهای حوزه دلار تعدیل و تنظیم گردد.

خوب اینکه چه اتفاقاتی را برای اقتصادمان مفید می‌بینیم یک بحث است - و اینکه چه اتفاقاتی را پیش‌بینی می‌کنیم بحث دیگری است، پیش‌بینی، احتیاج به اطلاعاتی دارد که

در اختیار آدم‌های عادی نیست، افراد خاصی هستند که از این موهبت برخوردارند و برخی از آنها هم از آن اطلاع سوءاستفاده می‌کنند، و به همین‌خاطر به آن رانت اطلاع هم می‌گویند، ولی از پیش‌بینی که بگذاریم، به امید و آرزو می‌رسیم، امید به چه داریم - یا آرزوی چه را داریم - هر یک مبحث جداگانه‌ای است ولی چیزی که همیشه تأکید کرده‌ام و برای هر اقتصادی لازم و حتی واجب است داشتن علامت‌های صحیح است. اگر در یک اقتصاد علامت‌ها صحیح باشد آینده‌ای روشن در انتظارمان خواهد بود. ببینید اگر فرض کنیم در کشور یک کارخانه تولید دوچرخه داشته باشیم و فرض کنیم هر دوچرخه برای تولیدکننده مثلاً یک صد هزار تومان تمام شود اگر ما اجازه دهیم که تولیدکننده مطابق اصل عرضه و تقاضا دوچرخه‌های تولیدی خود را به بالاترین قیمت (مثلاً یک میلیون تومان) بفروشد این یعنی علامت واقعی ولی اگر به بهانه‌های مختلف حتی خیر خواهانه و مثلاً برای گسترش ورزش و رفاه طبقه فرودست کارخانه سازنده دوچرخه را مجبور کنیم که دوچرخه هایش را به قیمت خاصی (مثلاً صد بیست هزار تومان) بفروشد این یعنی علامت اشتباه - در علامت واقعی ممکن است دوچرخه‌ها در وحله اول قیمت خیلی بالایی بگیرند، ولی چون سایر سرمایه‌داران می‌بینند که این کار سود زیادی حاصل می‌کند آنها هم به احداث کارخانه دوچرخه‌سازی راغب می‌شوند و این باعث گسترش صنعت و تولید فزاینده، ایجاد رقابت و طبعاً کاهش قیمت دوچرخه در دراز مدت می‌شود ولی اگر علامت اشتباه بدهیم درست است که در وحله اول دوچرخه‌ها ارزان‌تر فروخته می‌شود، ولی همین ارزانی باعث می‌شود که خریداران بیشتر از مقدار تولید باشند و اینجاست که دلالتان و بنک‌داران وارد بازار شده، و شروع به خریداری و احتکار دوچرخه‌ها کرده و در بازار سیاه به قیمت بالا بفروشند و در اینجا سود اصلی به‌جای اینکه نصیب تولیدکننده شود و باعث اقبال سرمایه‌داران به تولید بشود - نصیب دلالتان می‌شود و سرمایه‌داران علاقه‌مند می‌شوند که سرمایه خود را در راه دلالتی به‌کار اندازند.

علامت صحیح در همه‌جا، روشن‌گر، و موجب فلاح و صلاح خواهد بود، مثلاً در زمان هائی قیمت ارز که باید تابع نرخ تورم و بهره باشد به ضرب تزریق بیش از تقاضا به‌طور مصنوعی پایین نگه داشته شده، این یعنی علامت غلط و این باعث اخلال در اقتصاد و ایجاد رانت و توقف تولید و واردات بی‌رویه محصولات بی‌فایده یا کم‌فایده و از بین رفتن اشتغال و گسترش بی‌کاری و... می‌شده یا وقتی به‌طور غیرواقعی نرخ بهره بالا و پایین می‌رود یا هر اتفاق غیرواقعی و مصنوعی که در اقتصاد بیفتد همه اینها علامت‌های غلط است و بنا بر این اگر بخواهیم بگوییم «باید» یا بگوییم «آرزو» یا بگوییم «امید» یا هر جمله دیگر فقط «واقعی شدم علامت‌ها» بهترین هدیه‌ای است که می‌شود به اقتصاد کشور داد. ■

ریسک سرمایه‌گذاری در فناوری‌های اقلیمی

وداع با زنجیره تولید ارزش سنتی

✦ ترجمه: کبری صدقی | منبع: www.mckinsey.com/business-functions

می‌رسد، هزینه‌های سرمایه‌ای برای تجهیزات و زیرساخت‌ها با شدت انتشار نسبتاً کم به‌طور متوسط ۶٫۵ تریلیون دلار در سال خواهد بود که بیش از دو سوم از ۹٫۲ تریلیون دلار هزینه سرمایه سالانه در آن زمان است. به‌نظر می‌رسد که تقریباً تمام این سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، شامل فناوری‌های مرتبط با اقلیم می‌شود.

این بدان معنا نیست که نوآوری و پذیرش فناوری‌های آب و هوایی ساده خواهد بود. به‌احتمال زیاد، این فرایندها دچار چالش‌های قابل توجهی خواهند بود. در طول انتقال به معادله خالص صفر، سیستم انرژی جهان، و همچنین منابع تجهیزات و زیرساخت‌های پراشتار گازهای گلخانه‌ای، از طریق فناوری‌های اقلیمی مهندسی مجدد خواهند شد تا به جای سوخت‌های فسیلی با انرژی‌های تجدیدپذیر کار کنند. این نه‌تنها به‌معنای ساخت و استفاده از وسایل جهت تولید انرژی‌های تجدیدپذیر است، بلکه به‌معنای انتقال آن به بازارهای نهایی از مراکز تولید، مانند مناطق آفتابی که انرژی خورشیدی ارزان قیمت تولید می‌کنند نیز می‌شود. با وقوع این تغییرات، برخی از زنجیره‌های ارزش از هم خواهند گسست و زنجیره‌های جدیدی تشکیل می‌شوند.

برای تحقق هدف معادله کربن صفر، در وقوع نوآوری‌ها نیز باید تسریع شود. برای بیشتر فناوری‌های اقلیمی، هزینه‌ها برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای در راستای اهداف خالص صفر، اواسط قرن به کندی کاهش می‌یابد. شکستن منحنی هزینه مستلزم رویکردهای غیرمتعارف برای توسعه،

■ اخبار مالی - توسعه و استقرار فناوری‌های اقلیمی جهت تحقق دستور کار رسیدن به معادله خالص صفر جهان یک موضوع حیاتی است. رشد می‌تواند در انتظار کسب و کارهایی باشد که مایل به نوآوری سریع و همکاری در زنجیره‌های ارزش در حوزه اقتصاد پایدار هستند.

رسیدن به معادله انتشار خالص صفر نیازمند تلاش بسیار زیادی برای اختراع، پالایش و به‌کارگیری فناوری‌های آب و هوایی است: فناوری‌هایی که به‌صورتی روشن برای سرعت بخشیدن به کربن‌زدایی درنظر گرفته شده‌اند. برای مثال، تحقیقات نشان می‌دهد که تولید سالانه هیدروژن پاک، یک حامل انرژی کم کربن، باید بیش از هفت برابر شود تا جهان در سال ۲۰۵۰ به صفر خالص کربن دست پیدا کند. طبق یک مطالعه میدانی، هم‌اکنون ظرفیت جهانی ذخیره‌سازی انرژی طولانی‌مدت، در چارچوب استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر باید تا سال ۲۰۴۰ به میزان ۴۰۰ افزایش یابد تا به بخش برق کمک شود تا آن سال به صفر خالص دست پیدا کند. هم‌اکنون، ده خانواده از فناوری‌های آب و هوایی برای رویارویی با چالش خالص صفر حیاتی درنظر گرفته می‌شوند و انتظار این است که نوآوری‌ها در این حوزه‌ها گسترش پیدا نمایند. با افزایش تقاضا برای این ده حوزه، شرکت‌ها فرصت‌هایی برای ایجاد ارزش، فرصت قابل توجهی خواهند داشت و در عین حال می‌توانند به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای کمک می‌کنند. تحلیل کارشناسان مالی نشان می‌دهد که در سناریویی که براساس آن جهان می‌تواند تا سال ۲۰۵۰ به صفر خالص





یک پیش نیاز حیاتی برای موفقیت بسیاری از فناوری‌های اقلیمی ایجاد ظرفیت برای تولید و ذخیره برق تجدیدپذیر است. دسترسی به منابعی غیر از انرژی‌های تجدیدپذیر نیز می‌تواند سرعت افزایش فناوری‌های آب و هوایی را محدود کند: به عنوان مثال، باتری‌های وسایل نقلیه الکتریکی و سیستم‌های ذخیره انرژی در مقیاس کاربردی نیاز به ورودی‌های ثابتی از مواد خاصی مانند کبالت و نیکل دارند



ادغام و مقیاس‌بندی فناوری است از جمله میزان همکاری که به ندرت برای انواع دیگر فناوری‌ها دیده می‌شود. تجربه کار با شرکت فناوری اقلیمی و شرکت‌کنندگان در تولید زنجیره ارزش نشان می‌دهد که این سازمان‌ها دارای ویژگی‌های مرتبط و وابسته‌ای به یکدیگر هستند. رقابت در بازارهای وابسته به هم مستلزم همکاری در زنجیره‌های ارزش و اکوسیستم‌های صنعتی است. باید متوجه بود که مزایای قدرتمند نخستین حرکت را می‌توان از طریق ریسک‌پذیری و اقدام جسورانه به‌دست آورد.

نکته این‌که فناوری‌های اقلیمی تنها در صورتی قابل اجرا هستند که سایر فناوری‌های اقلیمی نیز در سطح تأسیسات، شرکت‌ها، مناطق یا زنجیره‌های ارزش پیاده‌سازی شوند. به‌عنوان مثال، متانول سبز به‌عنوان پیشرفته‌ترین سوخت موجود برای تامین انرژی کشتیرانی سبز در نظر گرفته می‌شود، موتورهای متانولی برای کشتی‌ها هم‌اکنون در بازار عرضه می‌شوند. یکی از شکل‌های تولید متانول سبز، متانول الکترونیکی، می‌تواند با ترکیب هیدروژن سبز با CO₂ بیوژنیک (CO₂ مشتق شده از زیست توده) ساخته شود. بنابراین، در کوتاه‌مدت، افزایش تولید متانول سبز به احتمال زیاد شامل افزایش جذب کربن برای منابع صنعتی CO₂ بیوژن است.

یک پیش نیاز حیاتی برای موفقیت بسیاری از فناوری‌های اقلیمی -از جمله متانول سبز و هیدروژن سبز، سایر سوخت‌های مصنوعی، فولاد سبز و جذب کربن -ایجاد ظرفیت برای تولید و ذخیره برق تجدیدپذیر است. دسترسی به منابعی غیر از انرژی‌های تجدیدپذیر نیز می‌تواند سرعت افزایش فناوری‌های آب و هوایی را محدود کند: به‌عنوان مثال، باتری‌های وسایل نقلیه الکتریکی و سیستم‌های ذخیره انرژی در مقیاس کاربردی نیاز به ورودی‌های ثابتی از مواد خاصی مانند کبالت و نیکل دارند. یک پیش نیاز حیاتی برای موفقیت بسیاری از فناوری‌های اقلیمی، از جمله متانول سبز و هیدروژن سبز، سایر سوخت‌های مصنوعی، فولاد سبز و جذب کربن، ایجاد ظرفیت برای تولید و ذخیره برق تجدیدپذیر است.

پیچیدگی اضافه به این دلیل به‌وجود می‌آید که فناوری‌های آب و هوایی اشکال مختلفی دارند که ممکن است وابستگی‌های متقابل خاص خود را داشته باشند برای مثال باید

ذخیره انرژی طولانی مدت وجود داشته باشد. این مجموعه فناوری شامل چهار دسته اصلی شیمیایی، الکتروشیمیایی، مکانیکی و حرارتی است. هر دسته شامل چندین فناوری است و هر یک از آنها به سطح متفاوتی از بلوغ و آمادگی بازار رسیده‌اند. نگاهی به استفاده‌های احتمالی ذخیره‌سازی طولانی‌مدت انرژی در یک بخش - برق - نشان می‌دهد که بهره‌برداری اقتصادی در هر مورد می‌تواند به تغییرات (در سایر بخش‌های سیستم انرژی) بستگی داشته باشد که انعطاف‌پذیری و نیازهای ذخیره‌سازی شبکه را تغییر می‌دهد. به دلیل چنین روابطی، برای رهبران، مدیران ارشد و کارکنان مفید است که در مورد بسیاری از فناوری‌ها و نحوه تعامل آنها اطلاعات بیشتری کسب کنند. آنها لازم است روش‌هایی را مطالعه کنند که شرایط واقعی -از جمله قابلیت‌های صنعتی، الزامات زیرساختی، و سیاست‌های عمومی - ممکن است به نفع یا مہار فناوری‌ها باشد. آنها همچنین می‌خواهند لازم است محدودیت‌های موجود در مواد حیاتی را درک کنند. تجربه نشان می‌دهد که تکنیک‌های پیش‌بینی بسیار پیچیده‌تر، همراه با برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای مقابله با منابع محدود مورد نیاز خواهد بود. با آگاهی از این دانش، رهبران می‌توانند سناریوهای یکپارچه‌ای را برای نوآوری فناوریانه تعریف کنند و از آنها برای شناسایی فرصت‌های امیدوارکننده استفاده کنند. وابستگی متقابل فناوری‌های اقلیمی به این معناست که افزایش آنها اغلب مستلزم همکاری سازمان‌ها برای ایجاد زنجیره‌های ارزش جدید و اکوسیستم‌های صنعتی است - رویکردی مشارکتی‌تر از آنچه ممکن است کسب‌وکارها به آن عادت داشته باشند و رویکردی که می‌تواند شبکه‌های موجود را به چالش بکشد.

صنعت هیدروژن مثال خوبی ارائه می‌دهد. یک گزارش از شورای هیدروژن (کنسرسیوم صنعتی) و مک کینزی اشاره می‌کند که در بیش از ۵۲۰ پروژه که ۱۶۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری اولیه را جذب کرده‌اند احتمالاً ۵۴۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری اضافی برای رسیدن به هدف صفر خالص تا سال ۲۰۵۰ نیاز دارند. همچنین این گزارش توضیح می‌دهد که تقاضای بالا برای هیدروژن سازمان‌ها را تشویق می‌کند تا در زیرساخت‌ها و ظرفیت تولید سرمایه‌گذاری کنند، اما تقاضا تنها زمانی به مقیاس انبوه می‌رسد که زیرساخت‌ها و ظرفیت تولید برای تولید هیدروژن پاک و ارزان قیمت وجود داشته باشد. برای تشویق به اقدام جهت این مهم، هماهنگی بین تامین‌کنندگان و خریداران احتمالی هیدروژن و همچنین بازیگران اکوسیستم مانند مؤسسات مالی (بسیاری از آنها به دنبال پروژه‌های کم‌انتشار برای سرمایه‌گذاری هستند) و دولت‌ها که ممکن است ارائه مشوق‌ها یا تضمین جذب هیدروژن را در نظر بگیرند، تسهیل می‌کند.

رویکردهای مشابه می‌تواند سایر فناوری‌های اقلیمی را نیز ارتقا دهد. برای مثال، تحقیقات در مورد نوپا برای کامیون‌های بدون آلاینده‌گی نشان می‌دهد که گروه‌های

صنعتی می‌توانند نه تنها به هماهنگ کردن عرضه وسایل نقلیه و زیرساخت‌های مربوطه (مانند ایستگاه‌های شارژ) بلکه به ترتیب مدل‌های تامین مالی برای خرید کامیون کمک کنند. ائتلاف «آسمان پاک برای فردا» مجمع جهانی اقتصاد، پیشنهاد می‌کند که مقررات حمایتی، اقدامات تشویقی جهت جهت حفظ هوای پاک کمک کند.

مدیرانی که پتانسیل را در پیگیری فناوری‌های اقلیمی می‌بینند، نباید منتظر شکل‌گیری یک اکوسیستم حمایتی باشند. برای تسریع استقرار، آنها باید فعالیت خود را شروع کنند، هم‌تایان و شرکا را سازماندهی کنند، مهندسان و دانشمندان را جمع‌آوری کنند، و شبکه‌هایی را ایجاد کنند که تقاضا، تولید، زیرساخت، بودجه و دانش را گرد هم می‌آورد. با توسعه طرح‌های مشترک یا نقشه‌های راه، برای تجاری‌سازی فناوری‌های آب و هوایی، اکوسیستم‌ها می‌توانند تغییرات را تحریک کنند، بازار ایجاد کنند و از هدر رفتن تلاش‌ها در پروژه‌های تکراری جلوگیری کنند.

برای سیستم کربن زدایی، هنوز هیچ فناوری اقلیمی به‌عنوان استاندارد نهایی نشده است و از آنجایی که اکوسیستم‌ها برای پشتیبانی از بسیاری از فناوری‌های اقلیمی مورد نیاز هستند، تشکیل شبکه‌هایی مانند شبکه‌هایی که در بالا توضیح داده شد می‌تواند به یک فناوری اقلیمی به‌عنوان راه‌حل انتخابی صنعت کمک کند. بنابراین، مزایای حرکت اول برای شرکت‌هایی که زودتر اکوسیستم‌های فناوری اقلیمی را سازماندهی یا به آن ملحق می‌کنند، در دسترس است. شرکت‌هایی که در پشت فرایند تکنولوژی‌های اقلیمی حرکت می‌کنند ممکن است پس از شکل‌گیری نهایی اکوسیستم، برای ورود به همکاری‌ها با مشکل مواجه شوند.

این فشارها همه مدیران و صاحبان سرمایه را به‌ویژه آنهایی که در صنایع مستقر هستند، مجبور به انتخاب‌های سخت می‌کند. آنها باید پتانسیل درآمد کوتاه‌مدت دارایی‌های فعلی خود را با فرصت‌های احتمالی برای رشد تصاعدی در بازارهای فناوری آب و هوا مورد توجه قرار دهند.

فناوری‌های دیجیتال باعث ایجاد شرکت‌های جوان مسلط بر بازار شد و سلسله مراتب کسب‌وکارهای فعلی را در هم شکست. اکنون، رشد یک بازار چند تریلیون دلاری برای فناوری‌های آب و هوایی قرار است صنایع را دوباره پیکربندی کند و ارزش را در سراسر اقتصاد توزیع کند و داستان‌های موفقیت جدیدی را هم برای کسب‌وکارهای سبز تازه کار و هم برای کسب‌وکارهایی که به سرعت در حال حرکت هستند ایجاد کند



آنها باید تصمیم بگیرند که چه مقدار از منابع خود را باید در خدمت به بازارهایی سرمایه‌گذاری کنند که احتمالاً شروع به کوچک شدن می‌کنند - و چقدر متعهد به تولید فناوری‌های اقلیمی رشد یافته و اختراع نسل بعدی هستند. سپس آنها نیاز به سازماندهی یا پیوستن به اکوسیستم‌هایی دارند که به فناوری‌های جدید برای پذیرش و دستیابی به مقیاس مورد نظر کمک می‌کند.

حرکت در شرایط عدم قطعیت، دلهره‌آور خواهد بود. خطوط نهایی اقتصاد پیش رو هنوز مبهم است، اما انتظار برای روشن شدن بیشتر آنها می‌تواند به معنای از دست دادن فرصت‌های ارزشمند باشد. این فشار باعث می‌شود سازمان‌ها شناسایی کنند که کجا می‌توانند رقابت کنند و جسورانه موقعیت‌های خود را به‌دست آورند، به‌ویژه در بازارهایی که اولین‌ها هنوز پیشروی نکرده‌اند.

باید توجه داشت که انتشار فناوری‌های دیجیتال باعث ایجاد شرکت‌های جوان مسلط بر بازار شد و سلسله مراتب کسب‌وکارهای فعلی را در هم شکست. اکنون، رشد یک بازار چند تریلیون دلاری برای فناوری‌های آب و هوایی قرار است صنایع را دوباره پیکربندی کند و ارزش را در سراسر اقتصاد توزیع کند و داستان‌های موفقیت جدیدی را هم برای کسب‌وکارهای سبز تازه کار و هم برای کسب‌وکارهایی که به سرعت در حال حرکت هستند ایجاد کند. این تحولات میراث رهبران در بخش‌های دولتی و خصوصی را مشخص خواهد کرد. کسانی که جسورانه حرکت می‌کنند، می‌توانند موقعیت شرکت‌های خود را برای موفقیت طولانی‌مدت بهتر نشان دهند در حالی که از پاسخ فوری جهانی به تغییرات آب و هوایی حمایت می‌کنند. □





پاسخ میدکو به نیاز توسعه پایدار و فراگیر

■ توسعه پایدار فرایندی چند بعدی است که هدف آن نه تنها ایجاد سود مالی، بلکه ایجاد روندی است که در آن شرایط زندگی و استفاده از منابع، با کمترین آسیب ممکن به یکپارچگی، زیبایی و ثبات نظام‌های زیست‌محیطی، نیازهای انسان محقق شود. این شیوه از توسعه راه‌حل‌هایی را برای الگوهای دارای محدودیت زمانی به لحاظ ساختاری، اجتماعی و اقتصادی ارائه می‌دهد تا اقتصاد بتواند در کنار بهره‌مندی از منابع مورد نیاز و تولید ثروت، از بروز مسائلی زیست‌محیطی و کاهش کیفیت زندگی در جوامع انسانی، در حال و آینده جلوگیری کند. در این شیوه توسعه، استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، جهت‌گیری توسعه فناوری و تغییرات نهادی با نیازهای حال و آینده سازگار می‌شود. برای تحقق این مهم شاخص‌هایی برای حفظ محیط‌زیست و توسعه رفاه اجتماعی همراه با حفظ کنترل بر فعالیت شرکت‌ها تحت عنوان ۳ شاخص حاکمیت محیطی، مسئولیت اجتماعی و حاکمیت شرکتی (ESG) در سطح بین‌المللی تعریف است. این شاخص‌ها برای ارزیابی وجدان کاری جمعی یک شرکت در زمینه عوامل اجتماعی و محیطی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ایران یکی از شرکت‌های پیش‌رو در زمین تحقق این شاخص‌ها شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) توسعه معادن و صنایع معدنی خاورمیانه یا همان میدکو (سهامی عام) است.

همواره یکی از دغدغه‌های جهان مدرن اثرات زیست‌محیطی و پایدار فعالیت‌های توسعه‌گرا به‌ویژه در بخش‌های دارای ارتباط بیشتر با منابع زیستی از جمله صنایع معدنی است. ایران به‌عنوان کشوری با مزیت قابل توجه در بخش معدن و چشم انداز افزایش سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی، نیازمند تعریف اصولی برای پاسخگویی به این دغدغه در سطوح داخلی و بین‌المللی بوده است. در پاسخ به این نیاز، میدکو به‌عنوان یک شرکت پیشرو با ارائه اصول توسعه پایدار و فراگیر در یک سند مستقل، گام مؤثری برداشته است که می‌تواند الگوی قابل تاملی در پاسخ به دغدغه‌های پیش‌گفته باشد.

شعار میدکو، یادگیری و ثروت‌آفرینی در راستای توسعه پایدار و فراگیر است و سند تنظیم شده جهت تحقق این مهم اصولی را شامل می‌شود که براساس آنها تعهد شرکت و رای الزامات قانونی، محدودیت‌های فنی و اقتصادی به نمایش می‌آید. و این اصول همان پاسخی است که می‌تواند در پیچیده‌ترین روی کشور در مسیر تحقق توسعه پایدار بگشاید. اصول توسعه پایدار میدکو در ۸ بخش تشریح شده است.

در بخش نخست از اصول توسعه پایدار در میدکو، بر سلامت، ایمنی محیط‌زیست تأکید شده است که براساس آن لازم است تلاش روزافزون به‌منظور بهبود و ارتقای ایمنی و سلامت کارکنان، بررسی جامع تأثیرات احتمالی کسب‌وکارها بر اکوسیستم مناطق تحت فعالیت قبل و بعد از اجرای طرح‌ها و اتخاذ رویکردهای حفاظتی، پیش‌گیرانه و اصلاحی صورت‌پذیرد.

بخش دوم مربوط به تعامل و توسعه جوامع محلی است. در این بخش اتخاذ رویکردهای توسعه گرایانه، مشارکتی و حمایتی مبتنی بر پایداری در ارتباط با جوامع محلی انجام می‌شود. بخش سوم از اصول توسعه پایدار در میدکو سودآوری با رویکرد پایداری در نظر گرفته شده که در چارچوب آن حفظ و بهبود سودآوری کسب‌وکارها در هماهنگی با اهداف توسعه پایدار جهانی مورد نظر است.

در چهارمین بخش، حرکت به‌سوی فناوری‌های کم‌کربن مورد توجه قرار گرفته و گسترش استفاده از فناوری‌ها و راهکارهای نوآورانه کم‌کربن در توسعه کسب‌وکار هدف‌گذاری شده است. پنجمین بخش در ارتباط با مدیریت مواد و انرژی است که در آن توسعه فعالیت‌های مورد نیاز در راستای مدیریت بهینه منابع موجود با تکیه بر بازآرایی منابع مورد توجه قرار می‌گیرد. همکاری با نهادها و سازمان‌های متولی ششمین بخش از اصول توسعه پایدار میدکو تعریف شده است. همکاری در جهت مقابله با تغییرات اقلیمی و مسئولیت‌های بین‌المللی در قبال سلامت زیست‌کره در این بخش تعریف شده است.

هفتمین بخش از اصول توسعه پایدار در میدکو، حمایت از مشتری‌ها و تأمین‌کنندگان بارویکرد انطباق فناوری‌ها با اصول توسعه پایدار و فراگیر است و هشتمین بخش نیز گزارش عملکردی است که در آن رعایت شفافیت و ارائه مستمر گزارشات عملکرد و پایش صورت می‌پذیرد. انتظار میدکو این است که با عمل به اصول مذکور، نه تنها منافع سهامدارها، تأمین‌کننده‌ها و مشتری‌های شرکت در بلندمدت محقق شود بلکه جوامع محلی، نهادهای ملی و دولت نیز از مواهب تحقق این اصول منتفع شوند.

توسعه پایدار، نه تنها به بهبود وضع زندگی جوامع منجر می‌شود، که منافع سایر موجودات زنده روی کره زمین و نسل‌های آتی انسانها را نیز در نظر می‌گیرد، بنابراین بدون شک تنها روش معقول توسعه است، بخش خصوصی نیز مانند دولت‌ها در پیشبرد توسعه پایدار مسئولیت دارد، و میدکو به‌عنوان یکی از شرکت‌های پیشرو در توسعه پایدار، می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر شرکت‌ها در ایران و حتی منطقه باشد. □

دورنمای توسعه در چادرملو

■ چادرملو هم‌اکنون دارای یک مجتمع معدنی، شامل: معدن سنگ آهن چادرملو و ۵ خط تولید کنسانتره با ظرفیت تولید ۱۱ میلیون تن کنسانتره سنگ آهن در سال، و یک مجتمع صنعتی شامل: کارخانه گندله‌سازی با ظرفیت تولید ۳،۷ میلیون تن گندله، کارخانه احیاء مستقیم با ظرفیت تولید ۱،۵۵ میلیون تن آهن اسفنجی، کارخانه تولید شمش فولادی با ظرفیت ۱،۲ میلیون تن، نیروگاه سیکل ترکیبی ۵۰۰ مگاواتی و نیروگاه خورشیدی ۱۰ مگاواتی در شهرستان اردکان و مشارکت در کارخانه تولید میلگرد با ظرفیت ۴۵۰ هزار تن در شهرستان ابرکوه استان یزد است.

چادرملو با مجموع ۷ هزار نیرو شاغل، سالانه بالغ بر ۱۷ میلیون تن محصولات زنجیره فولاد تولید می‌کند. این شرکت در دورنمای توسعه خود بیش از ۲۰ طرح را در دست مطالعه و اجرا دارد.

این طرح‌ها شامل:

- ۱- مشارکت در بهره‌برداری از معدن سنگ آهن آریز (D19)
- ۲- مشارکت در ساخت کارخانه فرآوری و تولید کنسانتره آهن به ظرفیت ۴ میلیون تن در سال در بهاباد
- ۳- ساخت کارخانه گندله‌سازی شماره ۲ به ظرفیت ۵ میلیون تن
- ۴- ساخت کارخانه احیاء مستقیم مگامدول با ظرفیت تولید ۲،۲ میلیون تن آهن اسفنجی
- ۵- ساخت کارخانه تولید فرو آلیاژها به ظرفیت ۵۰ هزار تن
- ۶- مشارکت در ساخت کارخانه گندله‌سازی با ظرفیت ۴ میلیون تن در بهاباد
- ۷- مشارکت در ساخت کارخانه احیاء مستقیم به ظرفیت ۱،۲ میلیون تن آهن اسفنجی در استان اردبیل
- ۸- مشارکت در ساخت ۲ کارخانه تولید اسلب و ورق آلیاژی به ظرفیت ۳ میلیون تن
- ۹- ساخت کارخانه تولید انواع آجر و اجرام نسوز با ظرفیت ۱۰۰ هزار تن.
- ۱۰- ساخت ۲ واحد نیروگاه سیکل ترکیبی ۵۰۰ مگاواتی
- ۱۱- ساخت ۲ واحد نیروگاه خورشیدی ۱۰ مگاواتی

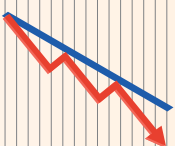
- ۱۲- یک واحد نیروگاه ۱۰۰ مگاواتی خورشیدی
- ۱۳- مشارکت در تکمیل طرح نیمه تمام تولید شمش فولادی به ظرفیت ۶۰۰ هزار تن در سرمد ابرکوه
- ۱۴- مشارکت در واحد احیاء مستقیم سرمد ابرکوه با ظرفیت ۸۰۰ هزار تن در سال
- ۱۵- مشارکت در تکمیل کارخانه تولید کلاف فولادی سرمد ابرکوه با ظرفیت ۴۵۰ هزار تن در سال
- ۱۶- مشارکت در کارخانه بازیافت سرباره در مجتمع صنعتی چادرملو به ظرفیت ۱۰۰ هزار تن
- ۱۷- مشارکت در کارخانه بازیافت کنسانتره به ظرفیت ۱۰۰ هزار تن

- ۱۸- مشارکت در پروژه‌های فولادی در جنوب کشور
- ۱۹- ساخت کارخانه تولید ممبران‌های تصفیه آب به ظرفیت ۵۰ هزار عدد در سال.

شرکت معدنی و صنعتی چادرملو در سال ۱۴۰۰ به‌عنوان ششمین شرکت بورسی از نظر ارزش بازار، برترین شرکت بورس تهران از منظر نهاد ناظر به لحاظ سودآوری و ناشر برتر بدلیل بهبود مستمر عملکرد، افزایش سودآوری و افشای به موقع اطلاعات در جهت اعتلای شفافیت بازار سرمایه و مدیریت پر تلاش و هوشمندانه مجموعه معرفی و مورد تشویق و تقدیر قرار گرفت.

چادرملو از مجموع طرح‌های خود با سرمایه‌گذاری یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار، با ۱۰ طرح توسعه خود، عضو گروه پیشروان پیشرفت ایران است که عملیات اجرایی طرح‌های آن در مراسمی با حضور رئیس‌جمهور آغاز شد. این طرح‌ها عمدتاً در شهرهای بهاباد، اردکان، ابرکوه و خراتق انجام می‌شود.

با این سرمایه‌گذاری، ۷ میلیون تن سنگ آهن - ۶ میلیون تن کنسانتره و ۵ میلیون تن گندله آهن تولید و ۲ نیروگاه سیکل ترکیبی با ظرفیت ۱۱۰۰ مگاوات نیز احداث می‌گردد. با بهره‌برداری از این ۱۰ طرح، سالانه یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار درآمد و بیش از ۱۵ هزار شغل ایجاد می‌شود. □





مدیریت دارایی های طبیعی در صندوق های NAC

← نویسنده: ویلی دیدنز - ترجمه: ایمان ایزدی | منبع: www.themintmagazine.com

■ اخبار مالی - بورس اوراق بهادار نیویورک در ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۱، ابزار مالی جدیدی را ارائه کرد که می تواند به برتری پلانزاع سرمایه داری مالی منجر شود، شرکت دارایی طبیعی (NAC). NAC یک ساختار شرکتی است که برای حفظ حقوق «خدمات اکوسیستمی» ارائه شده توسط دارایی های طبیعی مانند غذا، بارورسازی گیاهان، گردشگری یا آب پاک طراحی شده است. این شرکت با همکاری گروه مبادلات بورسی (IEG) توسعه یافته است. این شرکت برای ایجاد زمینه اجزایی فعالیت خود، یک جعبه ابزار جامع برای تبدیل دارایی های طبیعی به سرمایه مالی ایجاد کرده است. این نوآوری مالی در زمانی اتفاق افتاد که سه ضلع مثلث تولید سبز یعنی عوامل محیطی، اجتماعی، و حاکمیتی (ESG) به طور فزاینده ای برای سرمایه گذاران نهادی (IEG) که در جست و جوی دارایی های سودآور و پایدار مرتبط از اهمیت فزاینده ای برخوردار شده است. یک برآورد کارشناسی مزایای جهانی «اقتصاد حاصل از طبیعت را ۵۱۲ تریلیون دلار در مقایسه با ۱۲۵ تریلیون دلار «اقتصاد سنتی» در طول یک سال تخمین می زند.

شرکت های متمرکز بر دارایی های طبیعی یک انحراف اساسی از رویکردهای اقتصادی سنتی تر به مسائل زیست محیطی را تشکیل می دهند. براساس بررسی داسگوپتا^۱ و طرفداران اقتصاد دوناتی^۲ اقتصاد در طبیعت تعبیه شده است و با آن در تعامل است. اما شرکت های مالی دارایی طبیعی NACs طبیعت را به عنوان یک دارایی مالی در بر می گیرند. آنها دیگر بر حسب کالاها و خدمات استخراج شده و اثرات خارجی پولی ارزش گذاری نمی شود، بلکه ارزش آنها شامل «ارزش ذاتی» طبیعی است که اینگونه تعریف می شود: «پوشش ارزش هایی که هنوز شناسایی یا کمیت پذیر نشده اند و همچنین ارزش های فرهنگی، اجتماعی، زیبایی شناختی، معنوی و غیره طبق تعریف، این یک تصرف کامل از محیط طبیعی مورد بحث است. شرکت های مبتنی بر دارایی طبیعی بدین ترتیب یک انحراف اساسی از رویکردهای اقتصادی سنتی تر به مسائل زیست محیطی را شکل می دهند.

سرمایه گذاران نهادی کاربرد رویکرد شرکت های مبتنی بر دارایی های طبیعی را برای «مناطق طبیعی»، «مناطق کاری» و «مناطق ترکیبی» پیش بینی کرده اند.

مناطق طبیعی باید شامل اکوسیستم های خشکی و دریایی مانند جنگل ها، مراتع، تالاب ها، صخره های مرجانی باشد. تخصیص ارزش پولی به مجموعه وسیعی از «خدمات» ارائه شده توسط این اکوسیستم ها باید سرمایه گذاری هایی را برای حفظ و احیای آنها جذب کند. این خدمات از غذا، آب، چوب، کاهش آب و هوا، مزایای تفریحی و بصری تا تشکیل خاک را شامل می شود.

تخصیص ارزش پولی به مجموعه وسیعی از «خدمات» ارائه شده

توسط این اکوسیستم ها باید سرمایه گذاری هایی را برای حفظ و احیای آنها جذب کند. مناطق کاری عمدتاً به زمین های کشاورزی می پردازند و با گذار از تولید کشاورزی سنتی به تولید «جهت بازسازی» سروکار دارند. خاک زمین مهم ترین عامل در مواجهه با انتشار و ذخیره دی اکسید کربن است. شیوه های کشاورزی کنونی مانند خاک ورزی و استفاده از کودها و آفت کش ها، همراه با جنگل زدایی و ذوب شدن یخ های دائمی، منابع اصلی خاک برای انتشار کربن هستند. هدف NAC اصلاح و کاهش این شیوه و القای افزایش جذب و نگهداری کربن توسط خاک است.

اما مناطق ترکیبی مناطق طبیعی، مناطق کاری و زیرساخت های ساخته شده را در یک پروژه واحد ادغام می کنند. ارزش این مناطق ترکیبی با هم افزایی بین اشکال مختلف کاربری زمین تعیین می شود: کشاورزی، مسکونی، پارک ها، عملکردهای اداری، زیرساخت های پشتیبانی.

روش کار NAC کاملاً ساده است. ابتدا، یک دارایی طبیعی را که خود مدیریت خواهند کرد، شناسایی و ارزش گذاری می کنند. اندازه و مرزبندی این دارایی باید به گونه ای باشد که خدمات اکوسیستم مورد نظر یا اهداف زیست محیطی را تحقق بخشد.

سپس به مسائل حاکمیتی در این باره از جمله رسمی کردن فعالیت در این بخش از اکوسیستم می پردازند. مذاکرات بین ذینفعان مانند دولت ها، سرمایه گذاران، ساکنان و سازمان های غیردولتی در مورد ساختار مدیریت، مسائل مالکیت، حق رأی و مسائل مربوطه مورد تصمیم گیری سرمایه گذاران نهادی قرار می گیرد. آنها پیشنهاد می کنند که برای زمین های عمومی، ممکن است امتیازاتی صادر شود، مانند مورد شرکت های فعال معدنی، نکته اینکه برای زمین های خصوصی مالک به عنوان یک دارایی همچنان قابل انتقال خواهد بود.

در نهایت NAC یک عرضه اولیه عمومی (IPO) را برای کیس مورد نظر رانداندازی خواهد کرد. این عرضه اولیه به آنها اجازه می دهد تا سرمایه خود را از محل آورده سرمایه گذاران عمومی افزایش دهند. این ابزار مالی برای مدیریت دارایی های طبیعی و تامین مالی پروژه ها برای تحقق خدمات اکوسیستم مورد نظر ایجاد می شود. با انجام عرضه اولیه، سرمایه طبیعی به سرمایه مالی تبدیل می شود و متعاقباً توسط مکانیسم قیمت بازارهای مالی ارزش گذاری می شود. با انجان عرضه اولیه، سرمایه طبیعی به سرمایه مالی تبدیل می شود و به دنبال آن از طریق مکانیسم قیمت بازارهای مالی ارزش گذاری می شود. در باره طرح NAC، شرکت های فعال در مبادلات بورسی علاقه مند ظاهر شده اند. با مشارکت برخی بانک ها از جمله بانک توسعه بین آمریکایی، مذاکراتی با دولت کاستاریکا آغاز شده است و بدین ترتیب NAC مورد نظر می تواند مساحتی

حدود ۴۰۰ هزار هکتار را از ساحل اقیانوس اطلس در شرق تا ساحل اقیانوس آرام در غرب این کشور یعنی ۸ درصد از سطح این کشور آمریکایی مرکزی را پوشش دهد.

اما چرا کاستاریکا؟ گفته می شود که کاستاریکایی ها سنت آگاهی زیست محیطی بالایی دارند و دولت این کشور با همکاری با فرانسه و بریتانیا در ائتلاف بلند پروازانه برای طبیعت و مردم (HAC) مشارکت مؤثر دارد. تاین ائتلاف شامل بیش از ۷۵ کشور است و هدف آن حفاظت از حداقل ۳۰ درصد از مساحت زمین و اقیانوس های جهان تا سال ۲۰۳۰ است (هدف ۳۰×۳۰). این یک ابتکار محبوب در میان طرفداران محیط زیست است که در اول راه ۵ میلیارد دلار تعهد دریافت کرده است و بدین ترتیب بهترین محل آزمایش ممکن برای نشان دادن موفقیت یک NAC است. اما تأثیر NAC ها چه خواهد بود؟ از یک سو، این ابزار نوآورانه ای برای غلبه بر مشکل کمبود بودجه جهت اعمال راه حل های ممکن برای مقابله با تغییر اقلیم، از دست دادن تنوع زیستی و غیره محسوب می شود. از سوی دیگر، با ماهیت مالی سازی طبیعت، قواعد بازی از جمله در اولویت بندی های سیاسی، حقوق بین الملل و بحث های دمکراتیک تا قواعد بازارهای مالی به شدت تحت تأثیر قرار می گیرند. هم اکنون توازن قدرت مذاکره هنگام راه اندازی NAC به شدت مورد پرسش است. سرمایه گذاران (نهادی)، بانک ها و صندوق های سهامداران قدرت مالی عظیم تنها دارای یک هدف هستند: تضمین سودآوری سرمایه گذاری. از سوی دیگر، دولت و نهادهای عمومی باید اهداف مختلفی، از حاکمیت ملی گرفته تا اهداف اجتماعی و اقتصادی را در چارچوب محدودیت منابع محدود و به طور کلی بدهی عمومی بالا، مبادله کنند.

NAC های آینده می خواهند خود را به صورت پناهگاه شهروندان کشورهای در معرض تغییرات اقلیمی جدی معرفی کنند: کشاورزان، ماهیگیران و مردم بومی که برخی با از حقوق رسمی مالکیت برخوردار هستند. فعالیت های اقتصادی فعلی بسیاری از این افراد نه تنها باعث احیای محیط زیست نمی شود بلکه تخریب بیشتری را نیز در پی دارد چرا که مجبور هستند در بازارهای مواد غذایی به رقابت با سایر تولید کنندگان بپردازند، اینها همان بازارهایی هستند که با استانداردهای بالای زیست محیطی اداره نمی شوند. حال پرسش این است که آینده آنها چگونه خواهد بود؟ می توان برای تسهیل انتقال به آنها یارانه داد. اگر حقوق مالکیت رسمی نداشته باشند، می توانند خریداری شوند، مشمول اقدامات قانونی شوند یا به سادگی اخراج شوند. در نهایت اینکه ضعف نهادی نهادهای عمومی در مواجهه با رشد و تمرکز سرسام آور سرمایه مالی، منجر به تغییر چشمگیر قدرت خارج از کنترل نهادهای مردمی و سنتی می شود. و این در شرایطی است که حتی زیبایی طبیعت هم در قالب یک

کالا مورد سنجش و ارزش گذاری قرار می گیرد.

♦ مطالعات داسگوپتا

مطالعات داسگوپتا نتیجه یک بررسی مستقل در مورد اقتصاد تنوع زیستی است که توسط پروفسور سر پارتا داسگوپتا از دانشگاه کمبریج تهیه شده است. در این گزارش استدلال شده است که بحران انقراض گونه هایی که ما با آن روبرو هستیم - به خاطر خودمان - «بهره وری، انعطاف پذیری و سازگاری» طبیعت را تضعیف می کند. این به نوبه خود، اقتصاد، معیشت و رفاه انسان را در معرض خطر جدی قرار داده است. وی تصریح دارد که «طبیعت خانه ماست». اقتصاد خوب مستلزم مدیریت بهتر آن است. در گزارش داسگوپتا تصریح شده است که هم اکنون طبیعت یک «قطعه کور» در اقتصاد است و انسان دیگر نباید و نمی تواند آن را از سیستم های حسابداری که امور مالی ملی را دیکته می کنند، نادیده بگیرد. طبیعت گران بها ترین دارایی ما است و بشریت در مجموع «پرتفوی جهانی» خود را سوء مدیریت کرده است. در این بررسی مشخص شده است که برای حفظ شیوه زندگی فعلی، بشر به ۱٫۶ زمین نیاز دارد!

♦ نظریه اقتصاد دونات؟

نظریه اقتصاد دونات از دو حلقه متحدالمرکز تشکیل شده است: یک پایه اجتماعی، برای اطمینان از اینکه هیچ کس در تامین ملزومات زندگی کوتاهی نمی کند، و یک سقف اکولوژیکی، تا اطمینان حاصل شود که بشریت به طور جمعی از مرزهای سیاره ای که از سیستم های حامی حیات زمین محافظت می کنند، تجاوز نمی کند. این چارچوب برای در نظر گرفتن عملکرد یک اقتصاد با توجه به میزان برآورده شدن نیازهای مردم بدون فراتر رفتن از سقف اکولوژیکی زمین پیشنهاد شد. هدف اصلی مدل جدید چارچوب بندی مجدد مشکلات اقتصادی و تعیین اهداف جدید است. در این مدل، یک اقتصاد زمانی مرفه تلقی می شود که تمام دوازده پایه اجتماعی بدون فراتر رفتن از هیچ یک از نه سقف اکولوژیکی برآورده شوند. این وضعیت با ناحیه بین دو حلقه نشان داده می شود که به عنوان فضای امن و عادلانه برای بشریت در نظر گرفته شده است.

* ائتلاف بلندپروازی برای طبیعت و مردم (HAC) یک گروه بین دولتی متشکل از ۹۰ کشور به ریاست مشترک کاستاریکا، فرانسه و توسط بریتانیا است که از یک معامله جهانی برای حفظ طبیعت و مردم حمایت می کند. حفاظت از حداقل ۳۰ درصد از زمین و اقیانوس های جهان تا سال ۲۰۳۰ هدف این ائتلاف اعلام شده است. □

پی نوشت ها:

1- Dagsputa Review 2- Donut Economics





■ فضای مالی در این روزها به دلیل بروز ورشکستگی های بزرگ، اعمال سیاست های منسوخ شده توسط بانک های مرکزی، نرخ های بهره سرکوب شده و غیر واقعی و دیگر عوامل دیگر، متشیج شده و بدین ترتیب اعتماد سرمایه گذاران را در سرتاسر جهان به مؤسسات مالی بزرگ سنتی متزلزل کرده است و در نتیجه افراد و مؤسسات به دنبال راه های جدید و بدیع برای حفظ و تولید ثروت هستند. با توجه به این شرایط در سال های پیش رو تامین مالی غیر متمرکز و تامین مالی های مبتنی بر تکنولوژی و بیمه های مبتنی بر فناوری (insurtech, fintech, Defi) هر چه بیشتر مورد توجه قرار خواهند گرفت.

آینده صنعت مالی در مربع های تگ ها

غیر متمرکزهای شفاف و سریع

یکی از جایگزین های قدرتمند تامین مالی سنتی، تامین مالی غیر متمرکز یا دیفای است - اصطلاحی فراگیر برای خدمات مالی که توسط زیرساخت بلاک چین پشتیبانی می شود. با دیفای، مصرف کنندگان می توانند بسیاری از کارهایی را که بانک ها پشتیبانی می کنند همچون کسب سود، وام، خرید بیمه، تجارت مشتقات، تجارت دارایی ها و موارد دیگر البته به روشی سریعتر و شفافتر و عادلانه تر به انجام برسانند.

دیفای با این واقعیت که خطای انسانی را از طریق قراردادهای هوشمند کاهش می دهد، دسترسی به بازارها را از هر کجا و در هر زمان با اتصال به اینترنت بدون واسطه فراهم می کند، مورد توجه قرار دارد. در اصل دیفای پول را به یک پروتکل قابل برنامه ریزی و قابل همکاری تبدیل می کند، مشابه آنچه نسخه های قبلی وب برای دیجیتال کردن اطلاعات و محتوا انجام می دادند.

در حالی که دیفای یک روند به نسبت جدید است، مقدار ارزش قفل شده در پروتکل های دیفای به بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار افزایش یافته است و حجم معاملات تقریباً به ۱۰۰ میلیارد دلار در ماه می رسد. خود اکوسیستم دیفای

✎ نویسنده: ژن تشوچی کاوا، مدیر عامل و مدیر ارشد سرمایه گذاری شرکت سرمایه گذاری سونی ترجمه: مریم شیرازی منبع: www.fintechfutures.com

ارائه می دهند. فناوری های بیمه ای یا همان اینشورتک ها نیز همین کار را با استفاده از فناوری برای ارائه تجربیات بهتر به مشتریان انجام داده است.

دیفای گام منطقی بعدی است، به خصوص به این دلیل که فین تک ها و فناوری های بیمه ای می توانند به طور یکپارچه عملکرد دیفای را در رابط های کاربری موجود خود بگنجانند و آن را قابل دسترس تر و مصرف کننده پسندتر کنند.

همزمان با مراجعه فین تک ها و بیمه تک ها به پلتفرم های دیفای که با گنجاندن قابلیت های غیر متمرکز در برنامه های خود انجام می پذیرد، شرکت های جدید دیفای در تلاش هستند تا با محصولات متفاوتی که از زنجیره بلوکی استفاده می کنند، نتوانک ها و شرکت های بیمه را به چالش بکشند. به عنوان مثال، چندین پروژه از جمله Dharma, Juno, Linen و Outlet در حال راه اندازی نتوانک دیفای هستند. هدف آنها ارائه یک حساب با بازده بالا برای پس انداز به کاربران است که با حساب های نقدی استارت آپ های فین تک مانند Wealthfront و نتوانک هایی مانند Monzo رقابت کنند. این مهم با ارائه یک رابط بانکی جایگزین ساده که به طور یکپارچه ارز دیجیتال و مالی سنتی را با هم ترکیب می کند، فعال می شود.

♦ بازی با حضور وب ۳ جالب تر می شود

در سال ۲۰۲۲ و پس از آن دیفای، فین تک و اینشورتک ها به همگرایی بیشتر ادامه می دهند و تهدیدی برای بانک های سنتی و بیمه گران سنتی ایجاد می کنند. همگرایی فین تک و فناوری بیمه با دی فای فرصت های گسترده تری را فراتر از تمرکز دایی جریان پولی ایجاد می کند.

این فرصت ها بیشتر توسط وب ۳ تقویت خواهند شد. این فناوری با بهره برداری از زیرساخت های بلاک چین، می تواند پایگاه داده و لایه های محاسباتی باز و غیر متمرکز را در مقایسه با سرورهای Siled یا نمونه های ابری ارائه دهد. از آنجایی که کاربران از اینترنت استفاده می کنند و از برنامه های مالی بهره برداری می کنند، داده های این تعاملات دیگر تنها در سرور آن برنامه حفظ نمی شود بلکه در یک دفتر کل مشترک و در دسترس عموم ثبت می گردد.

در نتیجه تراکنش ها و تعاملات باز و شفاف، عملکردهای مالی ضروری مانند امتیازدهی اعتبار، تأیید هویت و

پیشگیری از تقلب دوباره پیکربندی می شوند که در نتیجه مزایای متعددی برای مصرف کنندگان به همراه خواهد داشت. به عبارت دیگر وب ۳ تعادل قدرت را به نفع مصرف کننده تغییر می دهد.

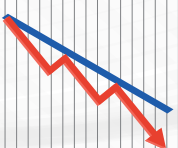
توانایی افراد و کسب و کارها برای معامله با نهادها در سراسر جهان - بدون دخالت نهادهای متمرکز - چون بانک ها زمینه را برای ارتقای یک اکوسیستم اقتصادی قوی آنلاین فراهم می کند. این امر به ویژه برای سازندگان محتوا و سرگرمی قابل توجه است، که وب ۳ راه های جدید و قدرتمندی را برای ارتباط و تعامل با مخاطبان یا طرفداران خود ارائه می. در این اکوسیستم برای مؤسسات مالی نیز مزایایی وجود دارد، بیمه گذاران را در نظر بگیرد. با استفاده از فناوری دفتر کل توزیع شده بلاک چین، بیمه گران می توانند اطلاعات یک ادعا را ذخیره کرده و به آن دسترسی داشته باشند این کار باعث می شود تا نیاز به سرمایه گذاری در جمع آوری داده ها از حوزه های عمومی و خصوصی منتفی شود.

فناوری بلاک چین، همراه با فناوری دفتر کل توزیع شده، همچنین می تواند به بانک ها در کاهش یا حذف استفاده از واسطه ها کمک کند. حوزه های خاصی که بانک ها در آنها می توانند از این فناوری ها سود زیادی ببرند، پرداخت ها، سیستم های ترخیص و تسویه حساب، جمع آوری سرمایه، اوراق بهادار، وام ها و اعتبارات، امور مالی تجارت و شناسایی مشتریان و پیشگیری از تقلب است.

♦ کلام پایانی

صنعت خدمات مالی با تحولات فناوری مانند زنجیره بلوکی، دستخوش تحولات بزرگی شده است. آنچه مشهود است این است که دیفای در بازار حضور یافته و نقش افرینی بیشتری خواهد داشت. بدین ترتیب اکنون که وب ۳ درست در افق دسترسی قرار دارد خدمات مالی هرگز یکسان و به شکل گذشته نخواهد بود.

مؤسسات مالی از هر نوع باید اجازه دسترسی به عملکرد دیفای را به مصرف کنندگان از طریق خدمات بانکی و بیمه خود بدهند. در غیر این صورت، پلتفرم های دیفای به عنوان چالش کنندگانی را که در مقابل آینده مقاومت می کنند، در گردوغبار مسیر را پشت سر می گذارد؛ آینده سهولت استفاده و راحتی را با قدرت مالی غیر متمرکز ترکیب می کند. □





حاصل نبرد روسیه و اوکراین

ترجمه: هومن همدانی | منبع: www.thedocs.worldbank.org و www.morganstanley.com

■ اخبار مالی - جنگ بین روسیه و اوکراین نه تنها هزینه‌ای سنگین انسانی و اقتصادی را بر این دو کشور تحمیل کرده است، بلکه در بخش اقتصاد بین‌المللی نیز تأثیرات عظیمی را از خود بر جای گذاشته است.

روسیه و اوکراین صادرکنندگان عمده چندین کالا هستند. در نتیجه، جنگ باعث افزایش و نوسانات زیادی در قیمت این کالاها در سطح جهانی شده است. روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده گندم در جهان با ۱۸ درصد سهم از این بازار و اوکراین ۷ درصد دیگر را به‌خود اختصاص داده است. روسیه همچنین بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی (۲۵ درصد)، پالادیوم (۲۳ درصد)، نیکل (۲۲ درصد) و کودهای شیمیایی (۱۴ درصد) است. ۱۸ درصد از صادرات جهانی زغال سنگ، ۱۴ درصد پلاتین، ۱۱ درصد نفت خام و ۱۰ درصد آلومینیوم تصفیه شده نیز توسط روسیه تولید و صادر می‌شود. از دیگر سو اوکراین بزرگ‌ترین صادرکننده روغن گیاهی است که به‌صورت عمده در پخت‌وپز استفاده می‌شود و دو پنجم تولید جهانی را به‌خود اختصاص می‌دهد و همچنین چهارمین صادرکننده بزرگ ذرت است که ۱۳ درصد از صادرات جهانی آن را در اختیار دارد. اوکراین همچنین تا ۵۰ درصد گاز نئون جهانی را تولید می‌کند که یک عنصر حیاتی مورد استفاده در ساخت تراشه است.

پیش از جنگ روسیه و اوکراین، به‌نظر می‌رسید که اقتصاد جهانی در مسیری قابل پیش‌بینی قرار دارد. با بازگشایی کسب‌وکارها، افزایش دستمزد و افزایش قیمت‌ها، بسیاری از بانک‌های مرکزی در سراسر جهان آماده بودند تا از حمایت مالی و پولی خود در طول همه‌گیری کووید-۱۹ استفاده کنند. اکنون، تهاجم روسیه به اوکراین بسیاری از این مفروضات را به طرز چشمگیری تغییر داده و سوای تلفات انسانی هولناک، ابعاد منفی دیگری از جمله افزایش قیمت حامل‌های انرژی و مواد غذایی را با خود به همراه داشته که در مجموع باعث ایجاد عدم‌اطمینان کلان در سراسر جهان شده است. پیامدها برای چشم‌انداز کوتاه‌مدت جنگ چشم‌انداز کوتاه‌مدت اقتصاد جهانی را به‌طور قابل‌توجهی از بین برده است، که به زمان‌های سختی در پیش رو اشاره می‌کند. جنگ از طریق کانال‌های متعدد، از جمله بازارهای کالایی و مالی، تجارت، پیوندهای مهاجرت و اعتماد، بر فعالیت‌های جهانی تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، اقتصادهای پیشرفته و بسیاری از EMDEها با چشم‌انداز اقتصادی ضعیف‌تری روبه‌رو هستند. EMDهای

واردکننده کالا احتمالاً به‌دلیل وخامت تجارت، کاهش رشد اقتصاد پیشرفته، کاهش تجارت، و سخت‌تر شدن قابل‌توجه شرایط تأمین مالی به‌دلیل افزایش تورم و هزینه‌های استقراض بالاتر، پیامدهای نامطلوب قابل‌توجهی را متحمل خواهند شد. در مقابل، برخی از EMDEهای صادرکننده کالا (مخصوصاً ۱۴ صادرکننده انرژی) ممکن است در نهایت از افزایش شدید قیمت کالاها سود ببرند، اگر این افزایش مستمر در شرایط تجارت مربوطه آنها باشد. این جنگ خطرات منفی مختلف را برای چشم‌انداز کوتاه‌مدت افزایش می‌دهد. این امر می‌تواند تنش‌های ژئوپلیتیکی را تشدید کند، استرس مالی شدید ایجاد کند، بحران‌های پناهندگان را بدتر کند، ناامنی غذایی را تشدید کند، فشارهای تورمی را تشدید کند و محرک‌های رشد بلندمدت را تضعیف کند. این خطرات را می‌توان با آسیب‌پذیری‌های جهانی مانند بدهی بالا و موجودی کم برخی از کالاها، مانند گندم و نفت، تشدید کرد. این ریسک‌ها به هم مرتبط هستند و متقابلاً تقویت می‌شوند و احتمالاً می‌توانند به فرود سختی برای اقتصاد جهانی منجر شوند.

ست کارپنتر، اقتصاددان ارشد بین‌المللی وابسته به مؤسسه تحقیقات مورگان استنلی، می‌گوید: «تورم جهانی بالاتر خواهد رفت و ما شاهد کاهش مستقیم رشد ناشی از قیمت‌های بالاتر کالاها و احتمالاً عقب‌نشینی بیشتر ناشی از عدم‌اطمینان خواهیم بود. هم‌اکنون، رشد جهانی باید در سال ۲۰۲۲ ثابت بماند و پیشرفت‌های سخت‌گیرانه سیاست‌ها احتمالاً ادامه خواهد داشت، اما واضح است که احتیاط بیشتری لازم است.»

نگاه بدبینانه به اقتصاد جهان توسط تحلیل‌گران و استراتژیست‌های اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است، آنها معتقد هستند که ریسک‌های بازار در سال ۲۰۲۲ بارگذاری اولیه خواهند شد. با این حال، چشم‌انداز اقتصادی به‌طور قابل‌توجهی براساس منطقه و طبقه دارایی متفاوت خواهد بود. برای کسانی که هم‌اکنون منفی‌ترین حالت را در بازار دارند، راهنمای کلیدی این است: دارایی‌ها نسبت به ارزش‌گذاری‌های تاریخی هنوز گران هستند. تورم بالاست و همچنان در حال افزایش است. اندرو شیتس، استراتژیست ارشد متقابل دارایی‌ها، می‌گوید: «بانک‌های مرکزی برای بازگرداندن سیاست‌های پولی در راستای اقتصاد گسترده‌تر، باید نرخ‌های بهره را افزایش دهند. با این حال، این نگرانی‌ها بسته به اینکه به کجای دنیا نگاه می‌کنید بسیار متفاوت به‌نظر می‌رسند.»

گروه‌های تحقیقاتی که رویدادهای اوکراین و پیامدهای آنها را زیرنظر دارد و چشم‌انداز خود را با انتشار اخبار به روز می‌کند.

♦ انتظار می‌رود فدرال رزرو روند خود را حفظ کند حتی قبل از اینکه درگیری در اوکراین باعث افزایش قیمت انرژی و سایر کالاها شود، تورم نگران‌کننده بود. اکنون، کمیته بازار آزاد فدرال باید تصمیم بگیرد که آیا کاهش تورم را در اولویت قرار دهد یا از رشد حمایت کند - و به‌نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران در مورد مسیری که فدرال رزرو خواهد رفت تقسیم شده‌اند.

الن زنتنر، اقتصاددان ارشد ایالات متحده می‌گوید: «ما فکر می‌کنیم فدرال رزرو رشد را بر تورم اولویت خواهد داد، اما تا مدتی روند فعلی را ادامه خواهد داد، از این‌رو یکسری افزایش سه ماهه (۲۵ نقطه پایه) برای مجموع ۱۵۰ امتیاز پایه در سال جاری و ۱۰۰ امتیاز پایه اضافی در سال ۲۰۲۳ پیش‌بینی می‌شود.

آنچه در مناقشه اوکراین تغییر کرده است، چشم‌انداز کارشناسان برای تحقق تورم و رشد است. آنها پیش‌بینی خود را برای تولید ناخالص داخلی واقعی در سال جاری به ۴،۵ درصد کاهش داده‌اند و اکنون افزایش ۴،۴ درصدی در تورم شاخص قیمت مصرف‌کننده را پیش‌بینی می‌کنند که ۴۰ واحد پایه نسبت به برآورد قبلی آنها بیشتر است.

حتی قبل از این تحولات، استراتژیست‌های ایالات متحده فکر می‌کردند که ارزش‌گذاری سهام در این کشور بسیار بالاست - که به قیمت هدف ۴۴۰۰ برای S&P500 برای پایان سال ۲۰۲۲ تعبیر می‌شود - و توصیه کردند که سرمایه‌گذاران در موقعیت تدافعی‌تری قرار بگیرند. رویدادهای اخیر این دیدگاه را مجدداً تأیید می‌کنند و استدلال می‌آورند که جهت بازار بیش از حد به سمت نزولی است.

مایک ویلسون، مدیر سرمایه‌گذاری و استراتژیست ارشد سهام ایالات متحده، می‌گوید: «ما فکر می‌کنیم که ضرایب در سراسر شاخص حتی پس از کاهش تحولات ژئوپلیتیکی در چند هفته گذشته، فضایی برای فشرده‌سازی دارند.» نکته اینکه یک تیم خبره از مؤسسه تحقیقاتی مورگان استنلی یکسری افزایش نرخ بهره در ایالات متحده را یک چهارم واحد پیش‌بینی کرده است.

انقباض متورم

♦ مبارزه با شوک‌های عرضه

مناقشه روسیه و اوکراین شوک عرضه قابل‌توجهی را برای کالاهای کلیدی برای بسیاری از نقاط جهان ایجاد کرده است - اما فشار قیمت‌گذاری در منطقه یورو شدیدتر است. این منطقه برای سهم قابل‌توجهی از گاز طبیعی و نفت خود به روسیه و برای ذرت و گندم، در میان کالاهای دیگر، به اوکراین متکی است. در نتیجه، پیش‌بینی تورم تا ۵،۳ درصد برای سال ۲۰۲۲ و ۲،۳ درصد برای سال ۲۰۲۳ مورد توجه قرار گرفته است.

کارشناسان همچنین تخمین پایه خود را برای رشد تولید ناخالص داخلی از ۳،۹ درصد به ۳ درصد کاهش داده‌اند و خاطرنشان می‌کنند که آلمان و ایتالیا می‌توانند بیشترین تأثیر را در این‌باره دریافت کنند. کارشناسان علاوه بر موقعیت‌های گاو نر، خرس و موارد پایه، سناریوی چهارمی را نیز اضافه کرده‌اند که قطعی فرضی عرضه نفت و گاز روسیه به اروپا را درنظر می‌گیرد. ينس آیزنشمیت، اقتصاددان ارشد اروپا، می‌گوید: «وضعیت کنونی از بسیاری جهات دوگانه است، با نتایج احتمالی که دنیاها از هم جدا هستند. هم‌اکنون، این روی انتظارات برای برنامه‌های بانک مرکزی اروپا برای شروع کاهش حمایت مالی در بهار و شروع افزایش نرخ در پایان سال جاری تأثیری ندارد. درخواست‌های راهبردی متقابل دارایی برای اروپا شامل حرکت به سمت مدت زمان خنثی برای اوراق قرضه دولتی و یورو است. در همین حال، کارشناسان سهام اروپا بر این باور هستند که نسبت‌های قیمت به درآمد به‌طور فزاینده‌ای جذاب باقی خواهند ماند و ریسک نسبتاً محدودی برای پیش‌بینی‌های سود مشاهده می‌شود. گراهام سکر، استراتژیست Equities می‌گوید: «ریسک‌های نزولی افزایش یافته‌اند، اما فکر می‌کنیم هنوز زود است که کتاب بازی کلان خود را برای امسال پاره کنیم.»

بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که افزایش نرخ بهره بانک مرکزی اروپا در اواخر سال ۲۰۲۲ آغاز رخ خواهد داد.

♦ موقعیت بهتر، اما هنوز در معرض دید

سه کانال اصلی وجود دارد که آسیا تحت تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی در سایر نقاط جهان قرار می‌گیرد: قیمت نفت و کالاها، شرایط مالی و اعتماد شرکت‌ها و تجارت.

از منظر اقتصاد کلان، به‌دلیل ثبات کلان بهتر، فضای مالی



Financial

تأسیسات ۱۴۰۱

شماره ۳۱

IFNN.IR

اخبار مالی



برای پاسخگویی و تورم پایین در بسیاری از بازارهای کلیدی، به نظر می‌رسد که بیشتر آسیا نسبت به دوره‌های تنش‌های ژئوپلیتیک قبلی، امروز موقعیت بهتری داشته باشد. چنان آهیا، اقتصاددان ارشد آسیا، می‌گوید: قیمت‌ها در آسیا کمی بیش از ۲ درصد افزایش یافته است که با توجه به افزایش ۷ درصدی در ایالات متحده قابل توجه است.

جایی که تصویر پیچیده می‌شود چین است. این کشور از مزایای ثبات کلان بهتر، نرخ بهره پایین و تأثیر تجارت مستقیم قابل مدیریت با روسیه برخوردار است که ۲ درصد از صادرات و ۳ درصد از واردات آن را تشکیل می‌دهد، در این کشور هم‌اکنون سیاست تسهیل در حال انجام است. با وجود این، استراتژیست‌های در روزها یا خبر اهداف نزولی خود را تعدیل کرده‌اند تا منعکس‌کننده افزایش بالقوه ریسک سهام در مورد افزایش نگرانی نسبت به چین در مورد تنش‌های ژئوپلیتیکی، بحران نقدینگی بازار املاک و مسائل جاری اومیکرون در هنگ‌کنگ باشد. در آسیا، ژاپن ممکن است بیشترین امتیاز را به نمایش درآورد. در این کشور سهام با تخفیف رو به رشد نسبت به تاریخ اخیر معامله می‌شوند، در حالی که پتانسیل تجدید نظرهای مثبت سود وجود دارد.

◆ شوک‌های کلانی در راه

در نهایت، کارشناسان اقتصادی با توجه به بدتر شدن محیط رشد خارجی و قیمت‌های بالاتر کالاها، نرخ رشد را برای اروپای شرقی و مرکزی، آفریقا و خاورمیانه کاهش داده و تورم را در سراسر این مناطق صعودی پیش‌بینی کرده‌اند.

در سه کشور اروپای مرکزی (CE3)، جمهوری چک، مجارستان و لهستان، اقتصاددانان انتظار دارند شوک‌های نزولی به صادرات وارد شود، زیرا روسیه شریک تجاری اصلی آنها محسوب می‌شده است. با توجه به اینکه تورم اصلی به احتمال بسیار از سطح بالایی شتاب می‌گیرد، تصور بر این است که بانک‌های مرکزی روی ثبات مالی در کوتاه‌مدت متمرکز خواهند شد.

در آمریکای لاتین، شوک‌های قابل توجه و پایدار کالاها احتمالاً باعث می‌شود که تورم از پیش‌بینی‌های اقتصادی فعلی فراتر رود. در حالی که این بدان معناست که نرخ‌ها می‌توانند بالاتر بروند، رشد منطقه ممکن است تا حدی تحت تأثیر قرار گیرد. باید توجه داشت که شرکای تجاری اصلی آنها آمریکا و چین هستند. □



روسیه و اوکراین صادرکنندگان عمده چندین کالا هستند. در نتیجه، جنگ باعث افزایش

و نوسانات زیادی در قیمت این کالاها در سطح جهانی شده است. روسیه بزرگ‌ترین

صادرکننده گندم در جهان با ۱۸ درصد سهم از این بازار و اوکراین ۷ درصد دیگر

را به خود اختصاص داده است. روسیه همچنین بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی

(۲۵ درصد)، پالادیوم (۲۳ درصد)، نیکل (۲۲ درصد) و کودهای شیمیایی (۱۴ درصد) است.

از دیگر سوا اوکراین بزرگ‌ترین صادرکننده روغن گیاهی است همچنین تا ۵۰ درصد گاز

نئون جهانی را تولید می‌کند که یک عنصر حیاتی مورد استفاده در ساخت تراشه است



گزارش:

افزایش ۷۳ درصدی درآمد عملیاتی پتروشیمی پارس

افزایش، سود ناخالص ۴۱ درصد و درآمدهای عملیاتی نیز ۷۲ درصد رشد داشته است.

رفع تنگناهای تولید استحصال اتان، اتیل بنزن و استایرن منومر، پروژه تزریق LPG و ارتقا کیفیت فیلتراسیون، افزایش ظرفیت واحد اتیل بنزن و استایرن منومر، توجه به صیانت از محیط زیست، ایمنی و بهداشت از طریق اجرای پروژه‌های متعدد (پروژه ایمن‌سازی و کاهش فلرینگ و...)، توسعه ساخت داخل (بومی‌سازی کاتالیست، مولکولارسیو و مواد شیمیایی مصرفی واحدهای عملیاتی، ساخت تجهیزات دوار و...)، توسعه زنجیره ارزش از طریق تعریف و اجرای پروژه‌های پایین دستی مانند PDH/PP و همچنین صرفه‌جویی ارزی حاصل از توسعه ساخت داخل در سال ۱۴۰۰ معادل ۶.۳۸ میلیون دلار از دستاوردهای پارس بود که حسنی به آنها اشاره کرد. وی با اشاره به تخصیص زمین برای اجرای پروژه PDH/PP گفت: این طرح با سرمایه‌گذاری ۵۳ هزار میلیارد ریالی، سرمایه‌گذاری ارزی ۶۳۵ میلیون دلاری و در کل معادل ۸۶۷ میلیون دلار، با نرم بازده داخلی ۱۷.۱۸ درصدی در مدت ۴۸ ماه احداث می‌شود که البته ما به آقای دکتر علی عسکری قول دادیم این زمان را کوتاه‌تر کنیم، دوره بازگشت سرمایه عادی از زمان احداث هشت و نیم سال است و درآمد کل سالیانه در بهره‌برداری کامل ۵۶۷ میلیون دلار است که سود خالص سالیانه ۱۶۵ میلیون دلاری نصیب پتروشیمی پارس خواهد کرد. در ادامه جلسه مجمع، گزارش حسابرس قرائت شد و سپس به سؤالات مختلف سهامداران پاسخ داده شد.

در ادامه صورت‌های مالی پتروشیمی پارس مورد تصویب مجمع قرار گرفت، همچنین روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه رسمی این پتروشیمی انتخاب شد و با بودجه ۳۰ میلیارد تومانی برای مسئولیت اجتماعی شرکت موافقت شد.

این مجمع همچنین با تخصیص سود ۲۷ تومانی به هر سهم شامل صد درصد سود حاصل شده و همچنین سود انباشته به ازای هر سهم به سهامداران موافقت کرد. □

■ مدیرعامل پتروشیمی پارس با اعلام افزایش

۷۳ درصدی درآمد عملیاتی و ۳۳ درصدی سود عملیاتی

این پتروشیمی خبر داد و گفت که پارس در سال گذشته

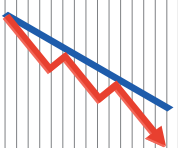
۱۶ هزار میلیارد تومان سود خالص کسب کرده است.

مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت پتروشیمی پارس روز سه‌شنبه ۳۱ خرداد ماه ۱۴۰۱ با حضور ۹۳.۴۲ درصدی سهامداران، با حضور ارکان مجمع و به ریاست حسین پناهیان معاون مالی و سرمایه‌گذاری گروه صنایع پتروشیمی خلیج فارس در سالن همایش‌های بین‌المللی پژوهشگاه صنعت نفت برگزار شد. در این مجمع، مسعود حسنی، مدیرعامل پتروشیمی پارس سخن خود را با تشکر از کارگران، تکنسین‌ها و مهندسان این مجتمع آغاز کرد و سپس به ارائه گزارشی از عملکرد این شرکت در سال مالی منتهی به پایان اسفند ۱۴۰۰ پرداخت.

مدیرعامل پتروشیمی پارس، توسعه و سرمایه‌گذاری در زنجیره ارزش پایین دستی، بهبود و توسعه مدیریت سرمایه‌های انسانی با تمرکز بر نگهداشت مطلوب منابع انسانی، استفاده حداکثری از ظرفیت‌های اسمی موجود با تاکید بر رفع تنگناهای واحدهای تولیدی، مدیریت بهینه دارایی‌های سازمان با تمرکز بر تامین مواد شیمیایی، قطعات و تجهیزات از داخل کشور، توسعه و تعالی سازمان از طریق نظام‌های مدیریتی و توسعه و تعمیق مدیریت ریسک در سازمان را از استراتژی‌های شرکت پتروشیمی پارس عنوان کرد.

وی با اعلام فروش سه میلیون و ۲۸۵ هزار و ۷۰۳ تن محصول در سال ۱۴۰۰ به ارزش ۴۵ هزار و ۲۲۴ میلیارد و ۷۸۱ میلیون تومان، به تولید ۹۵ درصد ظرفیت این مجتمع اشاره و ابزار امیدواری کرد که در سال ۱۴۰۱ تولید صد درصدی ظرفیت محقق شود.

مدیرعامل پتروشیمی پارس، سود عملیاتی این شرکت در سال مالی ۱۴۰۰ را ۱۳ هزار و ۸۵۲ میلیارد تومان و سود خالص را ۱۶ هزار میلیارد تومان عنوان کرد و افزود: سود پایه هر سهم نسبت به سال ۱۳۹۹ به میزان ۳۱ درصد رشد داشته و همچنین در این مدت سود عملیاتی ۳۳ درصد





نویسنده: توبیاس آدریان، مشاور مالی صندوق بین‌المللی پول
ترجمه: اخبار مالی

تأثیر تغییرات اقلیمی بر ثبات مالی

■ تغییرات آب و هوایی با ابعاد مختلف خود هم‌اکنون به یک اولویت تبدیل شده است. تمرکز مراکز مالی جهانی امروز روی جنبه‌هایی از تغییرات اقلیمی است که می‌تواند ثبات کلان اقتصادی

و مالی را مختل کنند. رخداد های اخیر فشار جهانی اهمیت آمادگی در برابر بحران و ایجاد تاب‌آوری را به ما یادآوری می‌کند. بحران کووید ۱۹ و پیامدهای جنگ در اوکراین آسیب‌پذیری نظام‌های تأمین مالی و ضرورت قطع وابستگی به انرژی کربن‌فشرده و تسریع انتقال به انرژی‌های تجدیدپذیر را آشکار کرده است.

مقابله با تغییرات آب و هوایی برای تضمین یک سیاره سالم حیاتی است، اما از منطق اقتصادی قدرتمندی نیز برخوردار است. مطالعات نشان داده‌اند که دستاوردهای اجتماعی مقابله با تغییرات آب و هوایی بسیار بیشتر از هزینه‌های تأمین مالی آن است. شواهد اکنون نشان می‌دهند که اجتناب از انتشار گازهای گلخانه‌ای و حرکت به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر منجر به مزایای اجتماعی قابل توجه و سود خالص کلی برای جامعه می‌شود.

خطرات بالقوه برای انتقال به سیستم انرژی تجدیدپذیر می‌تواند خطرات سیستم مالی را تشدید کند. اگر درک مبادله بین امنیت انرژی و انتقال به نظام جدید سرعت تغییر کند و انتقال صفر خالص پرهزینه، پیچیده و نامنظم شود، خطرانی برای انتقال به سیستم جدید انرژی پدید خواهد آمد. پیامدهای مرتبط با انرژی ناشی از جنگ در اوکراین همچنین ممکن است سرعت حذف تدریجی یارانه سوخت‌های فسیلی در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه را تغییر دهد.

یک انتقال به نظام جدید منطبق با اقلیم که با تأخیر یا بی‌نظمی انجام گیرد می‌تواند خطرات سیستم مالی را تشدید کند. بنابراین دستیابی به درک جامع‌تری از پیامدهای تغییرات اقلیمی برای سیستم مالی جهانی و ثبات مالی در اولویت قرار دارد. هم‌اکنون هفت حوزه مالی زیر نیازمند توجه جدی‌تر بانک‌های مرکزی و تنظیم‌کننده‌های هستند: **۱. اول، سیاستگذاران به مشاوره جهت درک کلان‌تأمین مالی مرتبط با آب و هوا نیاز دارند.** این سیاست‌ها به دو دلیل اصلی نقش مهمی دارند. نخستین مورد، بزرگی و ماهیت جهانی خطرات بالقوه ثبات اقتصادی و مالی است. دوم رابطه مثبت قوی بین حفاظت از اقلیم از یک سو و عملکرد کلان اقتصادی و ثبات مالی از سوی دیگر است.

● دوم، نیاز فوری به اصلاحات ساختاری برای به حداقل رساندن تأثیر تغییرات آب و هوایی بر سیستم مالی است. یکی از دلایلی که این امر در بازارهای در حال توسعه متوقف شده است، عدم تأمین مالی مناسب برای تأثیرگذاری بر تغییرات ساختاری است.

● سوم، بانک‌های مرکزی و تنظیم‌کننده‌های مالی باید به‌طور سیستماتیک ارزیابی‌های ریسک آب و هوایی را در چارچوب‌های ثبات مالی خود ادغام کنند. هنگامی که خطرات آب و هوایی اهمیت مادی و سیستمی دارند، توجه ویژه‌ای برای اطمینان از ارزیابی چگونگی تشدید و انتقال خطرات اقلیمی به بخش مالی مورد نیاز است.

● چهارم، موضوع نیاز به تنظیم و نظارت بر خطرات مالی مرتبط با اقلیم است. حفظ ثبات مالی وظیفه اصلی مقامات ناظر مالی است، بنابراین آنها باید اطمینان حاصل کنند که خطرات مربوط به آب و هوا به اندازه کافی در فرایندهای نظارتی خود ضبط می‌شود. در مواردی که این ریسک‌ها با اهمیت ارزیابی می‌شوند و احتمالاً ثبات مالی را تهدید می‌کنند، ناظران باید بتوانند سریع‌تر مداخله کنند.

● پنجم، به دستورات و ترازنامه بانک‌های مرکزی مربوط می‌شود. به ممد رویکرد تأمین مالی سبز، کارهای فنی زیادی در حال انجام است، اما، همچنان به‌کار تحلیلی بیشتری برای ارزیابی تأثیر تغییرات اقلیمی بر عملیات بانک مرکزی، چارچوب حاکمیتی، چارچوب تعیین سیاست و ثبات مالی نیاز است.

● ششم، الزام تقویت و بازسازی اطلاعات اقلیمی است. ارزیابی ریسک‌های آب و هوایی، امکان قیمت‌گذاری دقیق در بازار و امکان‌پذیر کردن تصمیم‌های سرمایه‌گذاری آگاهانه نیازمند یک معماری اطلاعاتی قوی در مورد خطرات آب و هوایی است. معماری اطلاعات از سه جزء تشکیل شده است: اول، داده‌های قابل اعتماد و با کیفیت بالا. دوم، مجموعه‌ای هماهنگ و منسجم از استانداردهای افشای آب و هوا. و سوم، اصولی برای همسویی سرمایه‌گذاری‌ها با اهداف پایداری.

● هفتمین و آخرین حوزه‌ای که نیاز به اقدام دارد، راه‌های بسیج مالی دولتی و خصوصی و در عین حال حفظ تعادل با سایر نیازهای اقتصادی کشور است. باید راه‌های بالقوه برای افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی جهت کاهش خطرات اقلیمی که برای توسعه بازارهای مالی پایدار لازم است، درک شود. دسترسی به منابع مالی همچنان در بسیاری از اقتصادها یک مانع است. براساس آخرین برآوردهای هیأت بین‌دولتی تغییرات اقلیمی، در برخی از اقتصادها، جریان‌های مالی مرتبط با تغییرات اقلیمی تا سال ۲۰۳۰ باید ۴ تا ۸ برابر افزایش یابد. □

میانگین حقوق سالانه ۲۰ شغل آینده‌دار زیست‌محیطی

◀ ترجمه و تنظیم: اخبار مالی | منبع: www.indeed.com/career-advice/finding-a-job/environmental-science-degree-jobs

■ **اخبار مالی** - رشته محیط‌زیست به دلیل مسائلی مانند تغییرات آب و هوا و آلودگی با سرعت بیشتری نسبت به همیشه در حال رشد است. افرادی که مدرک علوم زیست‌محیطی را دریافت می‌کنند، در مورد مشاغل، گزینه‌های مختلفی دارند، از جمله شغلی به عنوان میکروبیولوژیست، دانشمند محیط‌زیست و مهندس محیط‌زیست. درآمد ۲۰ شغل برتر را که می‌توان با مدرک علوم محیطی دنبال کرد به همراه مهارت‌های لازم برای تصدی مشاغل مزبور و درآمد سالانه هر یک درج شده است. توجه داشته باشید که تصدی برخی مشاغل زیر عاوه بر نیاز به دریافت مدرک دانشگاهی زیست‌محیطی، نیازمند دریافت گواهینامه آموزش‌های تکمیلی در دیگر حوزه‌ها نیز هست.

۱- متخصص محیط‌زیست

میانگین حقوق سالانه: ۷۶۸ میلیون تومان در سال
وظایف محوله: این متخصصان مسئول نظارت بر تأثیر محیط بر گروهی از افراد و کشف و ارائه راه‌حل برای مسائل زیست‌محیطی هستند. آنها بیشتر در طرح‌های شیمیایی و تولید انرژی کار می‌کنند. آنها آزمایش‌هایی را روی غذا، آب، خاک یا هوا انجام می‌دهند و برنامه‌های پیشگیری را برای کمک به حداقل رساندن مشکلات مربوط به محیط‌زیست اجرا می‌کنند.

۲- تکنسین محیط‌زیست

میانگین حقوق: ۹۲۱ میلیون تومان در سال
وظایف محوله: تکنسین‌های محیط‌زیست برای شناسایی، ارزیابی و جلوگیری از اشکال مختلف آلودگی در محیط کار می‌کنند. آنها ممکن است در فضای باز یا در آزمایشگاه کار کنند و اغلب در کنار مهندسان محیط‌زیست کار می‌کنند. وظایف مشترک شامل نظارت بر عات جمع‌آوری و دفع باله، نمونه برداری و کمک به نگهداری تجهیزات است.

۳- معلم علوم محیطی

میانگین حقوق: یک میلیارد تومان در سال
وظایف محوله: معلمان علوم محیطی اغلب به دانش‌آموزان دبیرستانی در مقاطع مختلف در مورد علوم محیطی آموزش می‌دهند. زمینه‌های رایج مطالعه که یک معلم علوم محیطی ممکن است در کلاس خود پوشش دهد شامل اکولوژی، زمین‌شناسی، شیمی و زیست‌شناسی است.

۴- زیست‌شناس دریایی

میانگین حقوق: یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف محوله: زیست‌شناس دریایی دانشمندی است که روی تحقیق در مورد حیات در اقیانوس تمرکز می‌کند. آنها همچنین ممکن است زندگی در مناطق آب شیرین و تالاب‌ها را نیز مطالعه کنند. آنها معمولاً داده‌ها را مشاهده و جمع‌آوری می‌کنند، آزمایش‌ها را انجام می‌دهند و حیوانات دریایی و زندگی آنها را مطالعه می‌کنند.



۵- شیمی دان محیط زیست

میانگین حقوق: یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف محوله: شیمی دان محیطی مسئول جمع آوری و آزمایش نمونه های خاک، هوا و آب برای تعیین کیفیت و چگونگی تأثیر آنها بر محیط است. وی یافته های خود را به صورت گزارش تهیه و ارائه می کند. هدف این متخصصان شناسایی و جلوگیری از تهدیدهای محیطی است که روی افراد، گیاهان و حیوانات تأثیر می گذارد.

۶- زیست شناس حیات وحش

میانگین حقوق: یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف محوله: زیست شناسان حیات وحش در درجه اول حیوانات را مطالعه می کنند و ممکن است آنها را در زیستگاه طبیعی مورد ارزیابی قرار دهند تا تأثیر آن عوامل شیمیایی و غیرشیمیایی را بر حیوانات تعیین کنند. آنها همچنین ویژگی های حیوانات را برای طبقه بندی و شناسایی گونه های جدید مطالعه می کنند.

۷- میکروبیولوژیست

میانگین حقوق: یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف محوله: میکروبیولوژیست ها معمولاً بیشتر وقت خود را در آزمایشگاه به انجام مطالعاتی روی میکروارگانیسم ها و نحوه زندگی و رشد آنها در محیط می گذرانند. آنها ممکن است ویروس ها، قارچ ها، باکتری ها و سایر میکروارگانیسم ها را مطالعه کنند و تأثیراتی را که بر محیط زندگی ما می گذارند را تجزیه و تحلیل کنند

۸- مشاور محیط زیست

میانگین حقوق: یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف اصلی: مشاوران محیط زیست در رابطه با نحوه مدیریت مسائل زیست محیطی و کاهش رد پای کربن تولیدی توسط شرکت ها را بررسی می کنند و به آنها برای کاهش آلودگی مشاوره می دهند. شرکت، مشاوره. آنها ممکن است رد پای کربن تولیدی مشتری را اندازه گیری کنند و سیستم هایی را برای چگونگی از بین بردن آسیب های زیست محیطی آینده طراحی کنند.

۹- دانشمند محیط زیست

میانگین حقوق: یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف اصلی: این متخصصان برای شناسایی و از بین بردن اشکال مختلف آلودگی که بر محیط زیست تأثیر می گذارد، کار می کنند. هدف یک دانشمند محیط زیست بهبود و حفاظت از سلامت انسان و محیط زیست است.

۱۰- زمین شناس محیط زیست

میانگین حقوق: یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف محوله: زمین شناسان محیطی داده های مربوط به اجزای زمین شناسی محیط را تجزیه و تحلیل و جمع آوری می کنند. آنها ممکن است مواد معدنی، خاک و آب های زیرزمینی را مطالعه کنند و همچنین زمینه های کاری صنعتی مانند عات معدن را ارزیابی کنند.

۱۱- جغرافی دان زیست محیطی

میانگین حقوق: یک میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف محوله: جغرافی دانان جنبه های مختلف زمین از جمله پدیده های زمین را تجزیه و تحلیل می کنند. آنها اغلب از سیستم های موقعیت جهانی (GPS) و سیستم های اطلاعات جغرافیایی (GIS) برای جمع آوری و نمایش داده های جغرافیایی برای کمک به دیگران استفاده می کنند.

۱۲- بوم شناس

میانگین حقوق: ۲ میلیارد تومان در سال
وظایف محوله: اکولوژیست ها مسئول مطالعه و ارزیابی اکوسیستم ها هستند تا تعیین کنند انسان ها چگونه بر اکوسیستم ها و محیط هایشان تأثیر می گذارند. یک اکولوژیست ممکن است برای یک سازمان محیط زیست خصوصی و یا دولتی یا در یک آکواریوم، موزه یا باغ وحش کار کند.

۱۳- مدیر محیط زیست

میانگین حقوق: ۲ میلیارد تومان در سال
وظایف اصلی: یک مدیر محیط زیست فردی حرفه ای است که مسئول نظارت بر رعایت مقررات زیست محیطی توسط سازمان برای کاهش رد پای کربن شرکت و تولید زباله است. مواردی را که آنها بررسی و تجزیه و تحلیل می کنند شامل کمیت و کیفیت آلودگی آب، کیفیت هوا و زباله در ارتباط با یک سازمان است.

۱۴- وکیل محیط زیست

میانگین حقوق: ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف اصلی: وکلای محیط زیست وکلایی هستند که در جنبه های مختلف حقوقی مربوط به زمین، هوا و آب تخصص دارند. آنها ممکن است برای وضع قوانین و انطباق زیست محیطی جدید و حفاظت از اکوسیستم، کشاورزی و تنوع زیستی لابی کنند. آنها ممکن است در مورد موضوعاتی مانند قانون آب، قانون تغییرات آب و هوا و مدیریت زمین به عنوان نماینده شرکت ها و نهادها وارد عمل شوند.

۱۵- زیست شناس محیط زیست

میانگین حقوق: ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف محوله: زیست شناسان محیطی شرایط فعلی محیطی را ارزیابی می کنند و تأثیر عوامل مختلف بر محیط را تعیین می کنند. آنها ممکن است نمونه های مختلفی از عوامل محیطی را برای مطالعه و تجزیه و تحلیل جمع آوری کنند و برنامه هایی برای کمک به حفاظت از اشکال مختلف زندگی پیشنهاد کنند.

۱۶- مهندس محیط زیست

میانگین حقوق: ۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف اصلی: این متخصصان مسئول طراحی سیستم هایی هستند که حفاظت از محیط زیست را ارتقا می دهند. پروژه های معمولی که ممکن است یک مهندس محیط زیست روی آنها

کار کند شامل نظام هایی برای تبدیل زباله به انرژی و احیای آب است. آنها همچنین باید اطمینان حاصل کنند که تأسیسات مختلف مجوزها و رویه های معمول و استاندارد را در ارتباط با محیط زیست حفظ می کنند.

۱۷- مسئول بهداشت محیط

میانگین حقوق: ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان تومان در سال
وظایف محوله: افسران بهداشت محیط هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی کار می کنند تا به حفظ استانداردهای زیست محیطی مناسب کمک کنند. وظیفه آنها اعمال و اجرای استانداردهای مختلف محیطی و بهداشت عمومی مانند ایمنی در محل کار، کنترل آلودگی و پیشگیری از آسیب است.

۱۸- هواشناس

میانگین حقوق: ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف اصلی: هواشناسان مسئول تجزیه و تحلیل جو زمین برای پیش بینی شرایط و الگوهای آب و هوایی هستند. آنها ممکن است از فناوری های مختلفی مانند ماهواره ها و رادارها برای به دست آوردن و مطالعه آب و هوا و تغییرات اقلیمی استفاده کنند.

۱۹- دانشمند آب شناس

میانگین حقوق: ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان در سال
وظایف محوله: این دانشمندان، آب گرفته شده از آب های سطحی، زیرزمینی و آب آشامیدنی را آزمایش و تجزیه و تحلیل می کنند. آنها راه حل هایی را برای حفظ و بهبود کیفیت آب ارائه می دهند و هرگونه مشکل کیفیت آب مانند آلودگی را گزارش می دهند. آنها معمولاً برای دولت، اژانس های غیرانتفاعی محیط زیست و مشاغل تجاری کار می کنند.

۲۰- مسئول ایمنی و بهداشت محیط

میانگین حقوق: ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان در سال

وظایف اصلی: افسران ایمنی و بهداشت محیط، فرایندهای مختلف را در یک منطقه کاری بازرسی و تجزیه و تحلیل می کنند تا اطمینان حاصل شود که فعالیت آنها با مقررات ایمنی و استانداردهای صنعت مطابقت دارند. آنها فرایندهای فعلی را ارزیابی می کنند و راه حل هایی را برای حفظ و بهبود ایمنی و سلامت مشتریان، کارکنان و محیط زیست تدوین می کنند.

توجه داشته باشید، علاوه بر مدرک دانشگاهی در زمینه محیط زیست موارد زیر برای تنظیم رزومه و کسب سمت های یادشده مهم هستند:

مهارت های سازمانی

مهارت های تحقیق

مهارت های جمع آوری داده ها

مهارت های تجزیه و تحلیل

توجه به جزئیات

تهیه گزارش های آزمایشگاهی

استدلال استقرایی یا قیاسی

تفکر انتقادی

نگارش مقالات علمی پژوهشی

مهارت های ارتباطی

مهارت های مدیریت زمان

مهارت های همکاری

انجام تحقیقات کمی

مهارت های نمونه گیری محیطی

مهارت های حل مسئله

مهارت های علوم و ریاضی

شناسایی مسائل زیست محیطی

ارائه راهکارهای زیست محیطی

گفتنی است: رقم های قید شده به عنوان میانگین حقوق سالانه برای هر عنوان شغلی در مقاله بالا با تبدیل رقم دلاری مربوطه با قیمت دلار ۲۷۰۰۰ تومان و گرد کردن عدد به دست آمده، محاسبه و درج شده است. □

۳۱

۳۱

۳۱

۳۱

۳۱

۳۱

۳۱

۳۱

۳۱

۳۱



تأیستان ۱۴۰۱

شماره ۳۱

IFNN.IR

اخبار مالی

۳۱



KSC.CO

شرکت مجتمع فولاد خراسان
Khorasan Steel Complex .Co

www.kseco.ir
info@kseco.ir

بزرگ ترین تولید کننده فولاد
در خط مقدم جبهه صنعتی شرق کشور



تولید کننده انواع مقاطع فولادهای سبک ساختمانی



• **طلایه دار تکنولوژی نوین در صنعت فولاد کشور** •
• **استحکام پایدار**  **آرامش ماندگار** •



گروه اخبار پولی مالی

POLIMALINEWS.IR



تهران، خ فاطمی، خ باباطاهر، ک کیوان، پ ۲۱، ط ۳، ش ۹
۰۲۱۸۸۸۵۴۵۷۲ - ۰۲۱۸۸۸۵۴۵۳۲ @polimali



روز صنعت و معدن دهم تیرماه بر تلاشگران این عرصه گرامی باد

دهم تیرماه، روز ملی صنعت و معدن، فرصتی است
مغتنم جهت تقدیر و تجلیل از خدمات بی شائبه و تلاشهای بی وقفه
فعالان بخش معدن و صنایع معدنی که به حق، نقشی ارزنده و غیر قابل
انکار در رشد و توسعه اقتصادی کشور ایفا می کنند.

به امید شکوفایی بیش از پیش اقتصاد متکی به صنعت و معدن
ناصر تقی زاده

هیرایرانی، یک بیمه نامه



۰۹۶۶۸

iraninsurance.ir

بیمه ایران
Iran Insurance





دومین همایش ملی ایمنی در معادن و صنایع معدنی

Second National Conference on
Safety in Mines and Mining Industries

علاقه‌مندان می‌توانند مقالات خود را
از طریق سایت اختصاصی همایش به نشانی
minesafety.geg.ir ارسال نمایند.

تمدید مهلت ارسال مقالات: ۱۴۰۱/۰۳/۳۱
داوری و اعلام نتایج: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵
تاریخ برگزاری همایش: ۲۵ و ۲۶ مردادماه ۱۴۰۱
سپهرجان، شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر
۰۳۴-۴۱۴۲۳۲۷۶

محورهای همایش:

- مولفه های ایمنی در طراحی بهینه معادن روباز و زیرزمینی.
- آخرین دستاوردها در ایمن سازی عملیات آتش باری معادن روباز.
- تکنولوژی های هوشمند و پوشیدنی در حوزه ایمنی و آتش نشانی.
- نرم افزار، اپلیکیشن و بازی های حوزه ایمنی و آتش نشانی.
- اقتصاد ایمنی، تجزیه و تحلیل هزینه و فایده.
- نقش و جایگاه تکنولوژی و متدولوژی های مدرن آموزش در ارتقای ایمنی.
- مدل های فرهنگ ایمنی و تجارب موفق.
- واکاوی قوانین و استانداردهای ایمنی.
- آخرین دست آوردها در سیستم های اعلام و اطفای حریق.
- مدیریت رویداد، تجزیه و تحلیل و درس آموزی از حوادث و شبه حوادث.
- مدیریت بحران و مهندسی رزیلینس (تاب آوری).
- ایمنی حمل و نقل و ماشین آلات معدنی.
- ایمنی نگهداری و تعمیرات (PM, RCM, ...).
- ارزیابی ریسک فاکتورهای سلامت در ایمنی.
- طراحی ایمن دیوها و سدهای باطله.

کارگاه‌های همایش:

- ایمنی سدهای باطله و دیوسازی.
- آشنایی با قوانین حقوقی ناشی از حوادث.
- ایمنی حمل و نقل و ماشین آلات معدنی.
- ایمنی در معادن روباز.

